

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه تحلیلی



تحلیل گر: نوید صدر

فهرست

- مقدمه
- فصل اول: چرایی فتنه ۹۶
 - معانی فتنه
 - چرایی کاربرد عبارت فتنه برای مسائل آینده
 - هدف از فتنه ۹۶ چیست؟
 - چه دلایل برای بروز فتنه ۹۶ هست؟
 - پیش داشته هایی که منجر به فتنه خواهد شد
 - آیا فتنه ای بزرگ تر در راه است؟
- فصل دوم: چگونگی فتنه ۹۶
 - آینده نگری در دیپلماسی غرب
 - عملیات های روانی در علیه جمهوری اسلامی
 - در نگاه جامعه داخلی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی
 - در نگاه جامعه جهانی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی
 - فضا سازی سیاسی و امنیتی
 - مهره سازی و مهره چینی برای تحقق هدف از فتنه

- دو قطبی رهبری در فضای فتنه ۹۶
- انتخابات مجلس در آیین فتنه ۹۶
- جناح ها در حال و هوای فتنه ۹۶
- فصل سوم: حقیقت ناگفته فتنه ۹۶
 - رهبری
 - رهبری در موقعیت حذف
 - دو قطبی رهبری در جامعه اسلامی - ایرانی و قطب آن
 - دو قطبی رهبری در فتنه ۹۶
- فصل چهارم: در نهایت فتنه ۹۶
 - آنچه گفته شد
 - آنچه خواهد شد

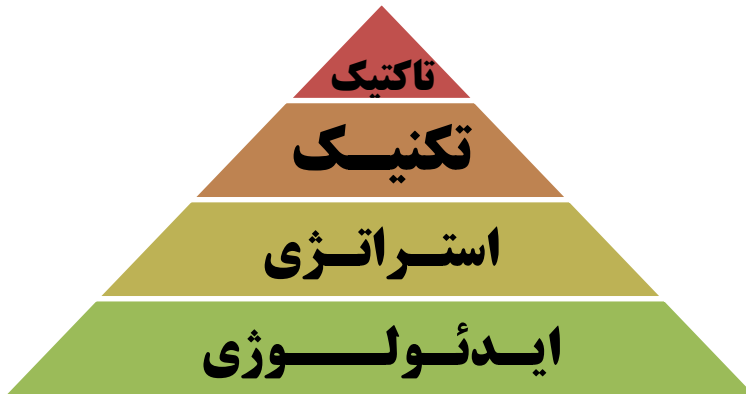
مقدمات اساتید: ...

مقدمه

آخر الزمان را عصر فتن نامیده اند فتنه ای که با لفظ "اکبر من القتل" از او یاد می شود. باز حسین بن علی(ع) را در خانه امن الهی با شمشیرهای زیر لباس احرام تحدید می کنند تا ولی خدا را به قتلگاه بکشانند. اما هرگز نمی پندارند که قبل از هر چیز امان نامه پاره پاره خواهد شد درحالی که عمل در نگاه عاملانمان چون شیرینی عسل و در نگاه ماندگانمان چیزی جز زیبایی نیست. به راستی که هرچه در مسلک عشق و بندگی خدا قدمی برمیداری خداوند دهها قدم به سوی تو می دود و چه عطشی است در چنین معرکه عاقلانه ی عاشقانه که شاید تأثری از عطش پیرمان اباعبدالله الحسین(علیه السلام) باشد.

مرید پیرمغانم ز من مرنج ای شیخ چراکه وعده تو کردی و او به جا آورد

هر عملیات و ماموریتی در حوزه اجرای از چهار مرحله اساسی برخوردار است:



در مجموعه ای که پیش رو آورده شده سعی شده تا مختصری در حوزه ایدئولوژی مبارزه میان جبهه ازلی و ابدی حق و باطل بحث شود و بعد هرچند در برخی از مطالب به بیان تکنیک ها نیز اشاره شده لکن بحث بر روی استراتژی های عملیاتی دشمن در جهت رسیدن به اهداف ایدئولوژیک خود ادامه پیدا میکند.

در این مجموعه بدلیل نگاه استراتژیکی به مجموعه رفتارها و رویدادها از ذکر اطلاعات و اسنادی که در جهت تحقق برنامه ها نقش داشته اند خود داری شده است.

در هر برنامه ای استراتژیها ثابت و تکنیک ها و تاکتیک های عملیاتی بسیار متفاوت، متغییر و زیرکانه چیده میشود، چرا که اصل ماهیت فتنه الزام بر اجرای این نوع رفتار را تاکید و تایید می کند.

امید است تهفه حقیرانه که سالها در جهت کسب اطلاعات و تشخیص برنامه های سپره شده و زمانهای بسیاری در جهت تدوین و به رشته تحریر درآوردن این مجموعه خالصانه صرف شده است مورد قبول مقام نورانی ولایت امیرالمومنین علی(علیه السلام) و وجود نازنین مادر هر دو عالم حضرت صدیقه شهیده(سلام الله علیها) واقع بشود.

البعدالاحقر

بسیجی توحید صدر

فصل اول:

چرایی فتنه ۹۶

- معانی فتنه
- چرایی کاربرد عبارت فتنه برای مسائل آیینده
- هدف از فتنه ۹۶ چیست؟
- چه دلایل برای بروز فتنه ۹۶ هست؟
- پیش داشته هایی که منجر به فتنه خواهد شد
- آیا فتنه ای بزرگ تر در راه است؟

○ معانی فتنه:

فتنه را در لغت، به امتحان و آزمودن معنا کرده اند. این واژه معمولاً درباره آن دسته از امتحاناتی به کار برده می شود که با تلخی و سختی همراه است.

در قرآن کریم، این واژه علاوه بر این معنا، برای بستن راه و بازگرداندن از مسیر حق، ۸، شرک و کفر، ۹، افتادن در معاصی و نفاق، اشتباه گرفتن و تشخیص ندادن حق از باطل، گمراهی، کشتار و اسارت، تفرقه و اختلاف میان مردم و... به کار رفته است.^۱ (موعود - مرداد ۱۳۸۷ - شماره ۹۰ - فتنه های آخرالزمان - صفحه ۴۲)

^۱ موعود - مرداد ۱۳۸۷ - شماره ۹۰ - فتنه های آخرالزمان - صفحه ۴۲

○ چرایی کاربرد عبارت فتنه برای مسائل آینده

عباراتی چون جنگ نرم، قدرت نرم و تمامی ملزومات و تعاریفات این نسل از جنگ و مبارزه خودگویای فتنه و مه آلود بودن شرایط است.

نهایت تلاش همه این عبارات و بازی گردانان این مجموعه این است که آب را برای تمامی حاکمان و حکومت ها آلود کرده و بهترین و مناسب ترین ماهی را از آن برای خود صید کنند. که این مضمون در صدر به وجود آمدن دین کامل و مبین اسلام توسط پیشوایانش بنام "فتنه" تعریف شده است که در آخرالزمان از کاربرد و نقش بسیار آن برای رسیدن به مقاصد اهل باطل با مبانی شیطانی خبر داده شده است. مشخصات مشابه و یکسان در تعریف فتنه و جنگ نرم و عملیات های روانی گویای این است که همان عصر فتنه در آخرالزمان تعریفی از زمان حال بوده است.

ایجاد ناآرامی روانی و استفاده تام از این آشفته گی روانی و فکری جهت رسیدن به مقاصد و اهداف مهاجم چیزی است در ادبیات و فرهنگ ایرانی اسلامی عبارت "فتنه" را به خود میگیرد.

دشمن در صدد است با ایجاد فضای مخدوش و کاملاً گل آلود قدرت تصمیم‌گیری را از هر فردی بگیرد و با چینش‌ها و سناریوهای مختلف فرد را مجبور به تصمیمی که مدنظرش است بکند.

این مدل مبارزه با وجود اینکه سالهای سال و دوران‌های مختلف در طول تاریخ بشری توسط دولت‌ها و سیاست‌مداران مختلف بر علیه دشمنانشان مورد استفاده قرار گرفته در کشور ایران بعد از انقلاب مردمی ۵۷ نسبت به مردم و حاکمیت به حد اعلای خود رسیده است. گذر زمان و روشنگری تجربیات گویای این است که هر پایانی آغازی بر فتنه‌ای بزرگتر و حتی هر فتنه‌ای مقدمه‌ای برای فتنه بزرگتر پیش رو بوده است.

سیر صعودی و تکاملی این حملات، مبین حرکت به سمت هدف خاص و پیشرفت عملیاتی دشمن بوده است. اتفاقات رخ داده در کشور در طول چند سال اخیر که عملیات‌های نرم کاملاً تهاجمی برنامه‌ریزی شده اند خبر از فتنه‌ای بزرگ‌تر برای ضربه‌ای بزرگتر برای هدفی بزرگتر و مهمتر می‌دهند.

○ هدف از فتنه ۹۶ چیست؟

در جهت شناخت ماهیت فرد، گروه و یا هر جامعه ای از دو طریق ممکن می باشد، راه اول نگاه به اهداف و آرمان های تعریف شده توسط آن جامعه است که گویای ماهیت آن جامعه هدف خواهد بود؛ راه دوم نگاه و بررسی عملکرد جامعه هدف و شناسایی مسیر حرکت آن است؛ در برخی جوامع هر دوی این راه ها قابل دسترسی هستند و جزء تعاریف ارزشی آن جامعه می باشند ولی در برخی جوامع یکی از آنها به صورت علنی مطرح می شود و دیگری در هاله ای از ابهام می ماند. روشن نکردن هدف و بازی با عملکرد های مختلف از مرسوم ترین رفتار های دیپلماتیک برای تقابل و برخورد با اهداف مطرح شده هستند.

عمل ها و عکس العمل ها همه بر گرفته از یک هدف و مقصد می باشد که عامل در جهت رسیدن به آن حرکت می کند. مخاطبان نیز بر اساس اهداف و مقاصد خود و عامل همین برخورد را دارند.

اهداف معنوی و فرهنگی کشورها و دولت ها حقیقت انکار ناپذیری است که اهداف مادی شان را نیز تحت الشعاع قرار می دهد.

محل تقابل جمهوری اسلامی ایران و در حقیقت حرکت مردمی انقلاب اسلامی با غرب و مخالفانش که در راس آن به مدیریت اسرائیل، آمریکا نقش بازی میکند دقیقاً همین مسئله می باشد.

ایالات متحده آمریکا در سند چشم انداز ۲۵ ساله خود که هم اکنون در سال اول پنج ساله چهارم خود قرار دارد به صراحت تمام دشمن خود را اسلام و متصدی آن را جمهوری اسلامی ایران معرفی می کند و براندازی و انهدام این کشور و رژیم را از اهداف اولویت دار خود مطرح میکند، چراکه اسلام را بزرگترین خطر و مانع جهت رسیدن به اهداف خود می داند؛ این مطلب خود حاکی از این است که غرب اهداف معنوی و فرهنگی اش بر اهداف مادی اش اولویت دارد و اسلام به عنوان یک فرهنگ و اندیشه مانع آن می شود.

مطلبی که در اینجا شایان ذکر می باشد این است که دوره مطالعات این سند حدوداً در دهه ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ بوده که از همان سال ۲۰۰۰ میلادی آغاز می شود. این بازه زمانی مصادف با دوران بعد از جنگ تحمیلی می باشد، زمانی که انقلاب در عرصه بین الملل و حتی در عرصه داخلی با شرایط موجود با وجود شک های بزرگ فرهنگی و امنیتی هنوز امکان تبیین معارف اصیل انقلاب و اسلام ناب را نداشته است. درحالی که غرب در برابر تمامیت انقلاب اسلامی می ایستد و آن را دشمن خود میدانند. این مطلب به دو صورت می توان برداشت کرد:

اول اینکه غرب با همان اطلاعات ناقص و عدم علم کامل به اسلام این تقابل را مطرح میکند که ذاتاً این فرضیه اشتباه است چرا که با تکیه بر اطلاعات ناقص و یا اشتباه نمیتوان برنامه ریزی صحیح انجام داد و به دور از روند برنامه ریزی و هدف گذاری برای یک ابرقدرتی مانند آمریکا می باشد.

دوم اینکه بیان چنین مطلب نشان از اطلاعات کامل از این قضیه را دارد که این فرضیه خود به دو صورت علمی و تجربی میتواند امکان پذیر باشد. اما علی الظاهر این قدرت بیان و عملکرد حاکی از علم کامل به مبانی علمی و شواهد تجربی می باشد چرا که

چگونگی اجرایی کردن این مبانی می تواند با انحرافات کلانی همراه باشد. که بدست آمدن این اطلاعات بعد از انقلاب اسلامی ایران که در بازه کوتاه بعد از انقلاب (حدوداً ۱۵ سال) که کشور کلاً درگیر ساماندهی دولت و مجلس و همچنین بیش از ۸ سال دفاع مقدس بوده بعید به نظر می رسد.

با کمی نگاه به گذشته‌ی نه چندان دور با محور عملیاتی دیگری با مشخصات شبیه به جمهوری اسلامی ایران مواجه می‌شویم.

لبنان کشوری است که چندین تن از علمای تشیع را تربیت کرده است:

شیخ شمس الدین محمد بن مکی بن احمد عاملی نبطی جزینی معروف به شهید اول (صاحب کتاب شریف لمعه)

شیخ زین الدین بن علی بن احمد عاملی جبعی معروف به شهید ثانی (صاحب شرح لمعه)
نوالدین علی بن عبدالعالی معروف به محقق کرکی (صاحب المقاصد)

سید محمد عاملی معروف به صاحب مدارک

شیخ حسن بن زین الدین معروف به صاحب معالم

سید صدرالدین عاملی

شیخ بهایی

شیخ حرعاملی (صاحب وسائل الشیعه)

سید عبدالحسین شرف الدین عاملی (صاحب المراجعات)

و... از جمله این بزرگان جهان اسلام این کشور می باشند.

اما چیزی که از لبنان در ۱۰۰ سال گذشته می بینیم چیزی جز درگیری بین مذاهب و اقوام نیست که ناامنی های بزرگی را در پی داشته است که تمامی فعالیت‌ها وابستگی و نمایندگی علنی غرب و صهیونیسم را داشته اند. در این میان ظهور شخصیتی همچون

امام موسی صدر و فعالیت های گسترده ایشان بر مبنای اصیل اسلام ناب تحول عظیم و عجیبی را در این کشور به وجود می آورد. انقلاب فرهنگی و معنوی امام موسی صدر پیام قاطعی از اندیشه و فرهنگ اصیل اسلام را به جهان ارائه کرد و حمایت ایشان قبل از ناپدید شدنشان از انقلاب اسلامی و امام خمینی(ره)، جمهوری اسلامی را پایگاه اصلی فرهنگ اسلامی و ادامه حرکت انبیاء به دنیا معرفی کرد.

وجود علمای بزرگ تشیع در لبنان و بعد از آن حمله همه جانبه غرب به این کشور نشان از شناخت غرب و صهیونیسم از اسلام است و ضربه جبران ناپذیری که امام موسی صدر به آنها وارد کرد، قدرت عملیاتی اسلام بخصوص تشیع را به زیبایی و به صراحت به جهان معرفی کرد.

این تشابه عمیق در آرمانهای و عملکرد انقلاب اسلامی ایران و انقلاب امام موسی صدر در لبنان بعد از گذشت چندین سال مقاومت همه جانبه ملت در مقابل دشمنان اسلام و کشور، صهیونیسم و استکبار جهانی را متوجه همان پیام قدرت شکست ناپذیر و استقامت پایدار اسلام کرد.^۲

در چنین شرایطی که شناخت و تعریفی به نسبت جامع از انقلاب اسلامی مطرح بوده ۱۵ سال بعد از انقلاب زمانی مناسب برای بررسی، برآورد ظرفیت ها کشور و برنامه ریزی عملیاتی آینده می باشد، بخصوص بیش از ۸ سالی که کشور در جنگ به سر برده است موقعیت مناسبی برای شناسایی ظرفیت های علمی، توانایی های مردمی و اعتقادی انقلاب ایران بوده و همچنین با استفاده از نابسامانی های ملی و امنیتی امکان تربیت و نفوذ نوچه ها و همسو های تربیت شده در داخل و خارج ایران و ورود به سیستم مدیریتی جامعه و دولت با استفاده از سیستم های جاسوسی و محرمانه را داشته اند.

من حیث المجموع غرب تلاش کرده تا با فراهم کردن شرایط و فضا سازی متناسب مقدمات براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران را رقم بزند. البته دوران ذهن نخواهد بود

^۲ sadr-t.blog.ir

با تعریفات از جنگ نرم و فتنه با توجه به شرایط مختلف بدلیل عدم امکان براندازی سخت نظام جمهوری اسلامی ایران، غرب اقدام به براندازی انقلاب اسلامی نماید، انقلاب اسلامی یک اندیشه، فرهنگ و یک ایدئولوژی حکومتی بر گرفته از آموزه های اسلامی - شیعی است، اما جمهوری اسلامی تعریفی از یک مدل حکومتی دموکراسی بر اساس آموزه های مدیریتی مختلف که دربردارنده مردمی است که بخش بزرگی از آن مسلمان هستند. مانند: جمهوری اسلامی پاکستان، جمهوری اسلامی افغانستان، جمهوری اسلامی ترکیه، و...

○ چه دلایل برای بروز فتنه ۹۶ هست؟

همانطور که اشاره شد در بخشی از مجموعه ای که شورای عالی امنیت ملی آمریکا به عنوان تفسیری بر سند چشم انداز ۲۵ ساله خود منتشر کرده است به صراحت در حوزه جهان بینی بخش خاورمیانه اسلام را بزرگترین خطر خود یاد کرده و نابودی جمهوری اسلامی را در اولویت خود قرار می دهد.^۲

در سند چشم انداز ۲۰ ساله نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران (۱۴۰۴) هدف پیشرفت همه جانبه کشور و مبارزه با استکبار در حوزه سیاست خارجی مطرح می شود. نکته قابل توجه این که سند چشم انداز آمریکا در سال ۲۰۲۵ میلادی به اتمام می رسد و سند چشم انداز جمهوری اسلامی در سال ۱۴۰۴ شمسی که این دو سال متقارن همدیگر هستند. بنابراین یک جنگ اندیشه ای و اعتقادی حقیقی در جهان در حال وقوع است.

به این اتفاق از چند منظر میتوان نگاه کرد:

✓ از منظر قدرت طلبی و سلطه به ممالک بیشتر که از خلقت انسان با شهوت قدرت و تسلط بر مردم بیشتر همراه بود که این منظر خود دارای بار اعتقادی

^۲ کتاب استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱- کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا- موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران (۱۳۸۳)- فصل دوم: ج: خاور نزدیک بزرگ

و اندیشه ای است، چرا که هر فرد یا شخصیتی با تسلط بر اراضی، ممالک و مردم بیشتر، خواستار انتشار و حاکمیت بیشتر فرهنگ و اندیشه ی خود است. پس بخصوص در این گذر زمانی صرف تسلط بر اراضی و کشور گشایی نمیتواند هدف از فتنه، براندازی و نفوذ باشد.

✓ از منظر مادی و منابع حاکمیتی که از ملزومات مدیریت یک کشور و دولت است؛ دسترسی به منابع طبیعی، افزایش قدرت انسانی، قدرت اقتصادی و قدرت معنوی و امتیازاتی که از افزایش تبعه بدست می آید از جمله مواردی هستند که در جهان امروز و صنعت مدیریت مدرن مشوق سلطه بر کشور های مختلف می باشد.

اما نکته قابل توجه این است که هر فرد و ملتی بیش از هر چیزی نیاز به ماهیت و شخصیت دارد و اگر حاکمیت توان این ماهیت سازی و شخصیت سازی را نداشته باشد تمامی امتیازات و قدرت های بدست آمده از افزایش تبعه بصورت عکس بر علیه حاکمیت مورد استفاده قرار میگیرد. خوراک معنوی عاملی است که میتواند در سخت ترین شرایط مردم را در عزت و آرامش روانی نگه دارد که موجب همبستگی ملی و ارتقاء امنیت حکومت می باشد. پس هر جذب منابعی که با خود اقشاری از مردم را می آورد مستلزم مدیریت معنوی و فرهنگی می باشند، این خود دلیل محکمی برای ضرورت وجود اندیشه محوری در دولت غرب است.

✓ از منظر اندیشه ای و اعتقادی که منشاء هر گونه حرکت و اقدام هر شخص و جامعه ای می شود. وجود اندیشه و فرهنگ مثل وجود روح در جسم است. حتی استفاده از عبارت "بی فرهنگ" در خطاب به شخصی گویای تضاد رفتاری و اندیشه ای بین دو شخص است یعنی دو فرهنگ و اندیشه مختلف؛ وجود اندیشه و اعتقاد در عملکرد غرب یک حقیقت غیر قابل انکار می باشد. مدیریت بیش از ۳۰۰ سال در یک مجموعه دولتی کلان و همچنین مدیریت جهانی، ایراد طرح های جهانی و سلطه به کشورها و مردم مختلف با شرایط و موقعیت های مختلف مستلزم وجود یک اندیشه محکم و قوی است.

اگر این تلاش سلطه بدون اعتقاد و باور خاص و محور دار باشد یعنی صرف تامین منابع زیست محیطی باشد، میتوان از توافقات و تفاهمات مختلف استفاده کرد اما از عملکرد غربی های چیزی جز سلطه یعنی حاکمیت در آن ها بر نمی خیزد. و این تسلط هدف دار با مدیریت روانی انجام شده در جوامع مختلف کاملاً مشهود و معلوم می باشد.

با وجود اینکه غرب به آبروی جهانی خود فکر میکند اما با این هدف گذاری نابودی ایران را به حفظ چند روزه آبروی خود ترجیه خواهد داد. و این همان پشتوانه معنوی غرب برای از بین بردن جمهوری اسلامی و بخصوص انقلاب اسلامی مردم ایران است.

با قدرت گرفتن جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی در منطقه و جهان زنگ خطر بزرگی برای آرمانهای غرب و صهیونیسم به صدا درآمده است که او را مجبور به انهدام انقلاب اسلامی می کند و با توجه به شرایط زمانی و موقعیتی، اجرای عملیات روانی و فتنه تنها راه براندازی است .

○ پیش داشته هایی که منجر به فتنه خواهد شد

غرب با استراتژی مدیریت جهانی که برپایه های کثیف شیطانی برقرار شده است، اسلام را دشمن اصلی و اساسی خود تعریف می کند و طبیعی است که از پای درآوردن تنها حکومت الهی و اسلامی جهان یعنی جمهوری اسلامی ایران را خال سیاه سیل حملات خود قرار داده است.

قدرت منطقه ای/ایران: ایران بعد از انقلاب اسلامی در جهان بعنوان پایگاه اسلام و تشیع تعریف میگردد در این خصوص نشست ها و کنفرانس های تخصصی بسیاری از سوی غرب برگزار شده است و همچنین نظریات فراوانی در این خصوص از جانب نظریه پردازان غربی ایراد شده است. پیشرفت همه جانبه انقلاب از جمله علمی، فرهنگی، صنعتی، نظامی، اندیشه ای و... و همچنین فرمان رهبر انقلاب برای صدور انقلاب به کشور های مختلف باعث گردید که علاوه بر اینکه در کل دنیا نگرشی نو به تحول خواهی و آزادی خواهی بوجود بیاید به صورت ویژه در کشور های اسلامی و منطقه ای جریان های اندیشه ای نو برای برقراری حکومت اسلامی در کشور هایشان به وجود بیاید، از جمله تاثیرات انقلاب اسلامی این بوده که امروزه جایگاه مسلمانان در کشور های مختلف و همچنین عملکرد دولت های استکباری و صهیونیستی نسبت به مسلمانان و اعتقادات اسلامی به وضوح روشن گردد، که تمامی این اوامر موجب قدرت اندیشه ای و آرمانی روز افزون انقلاب اسلامی شده است. دقیقاً همان مسئله ای که به صراحت بعنوان دشمن اصلی از طرف غربی ها اعلان می شود؛ و اصلی ترین عامل فتنه

گری غرب در صدد براندازی انقلاب اسلامی می باشد. غرب در تلاش است با ایجاد فتنه در داخل کشور و ساخت چهره ای بی کفایت از مدیریت انقلاب اسلامی در جهان علاوه بر براندازی و انهدام انقلاب به ضد تبلیغ علیه اندیشه ها و آرمان های انقلاب اسلامی بپردازد.

فضای امنیتی حاکم بر منطقه: یکی از گزینه های مهم و مطرح غرب گزینه نظامی می باشد. غرب سعی دارد با ایجاد فضای امنیتی در حاشیه مرزهای کشور و عملاً محاصره نظامی ایران فشار امنیتی و نظامی به ایران وارد کند. سوریه و عراق در غرب و جنوب غرب، ترکیه در شمالغرب، افغانستان و پاکستان در شرق و شمال و جنوب شرق، عربستان جنوب، اوکراین و آذربایجان در شمال کشور خطوطی هستند که ایران را تهدید می کنند. در چنین شرایطی که ایران توانسته با قدرت نظامی و امنیتی خود مانع نفوذ و حملات نظامی شود با شکل گیری شرایط امنیتی در داخل کشور در نتیجه فتنه گری و عملیات روانی خواهد توانست قدرت نظامی کشور را به داخل متمرکز کرده و با تضعیف قدرت نظامی در مرزها امکان نفوذ نیروهای تروریستی و انتحاری را مقدور میسازد. قدرت نظامی هر کشور در هر سطحی از قدرت و توانمندی هم که باشد با گسترش نقاط درگیری مجبور به تقسیم قدرت و در نتیجه با تضعیف قوا مواجه خواهد شد.

بن بست تبلیغاتی و روانی غرب در توسعه قدرت/انقلاب اسلامی: غرب در مقابل پذیرش و استقبال مردم تحت مدیریت خود از انقلاب اسلامی نتیجه ای جز برملا شدن تمامی نقشه ها و برنامه هایش را نمی بیند و با شکست بزرگی مواجه شده است که جز بد نام کردن و تخریب اسلام راه دیگری را چاره حیاط خود نمیداند، غرب با تاسیس گروهک های تروریستی و تکفیری منتسب به اسلام و پشتیبانی آنها سعی دارد چهره اسلام و مسلمین را بد جلوه کند که این عملیات های روانی و ضد تبلیغ ها هم در داخل و هم در خارج از کشور به صورت هماهنگ مسیر اسلام ستیزی را طی میکنند.

عملیات های روانی و جو سازی ها: غرب سعی دارد با ایجاد تشنج روانی در اذهان مردم ایران موجب تغییر نگاه مردم به نظام و انقلاب اسلامی نماید. عملیات های روانی در جهت معرفی بی کفایتی مدیریتی نظام در حل و فصل مشکلات و بحران هاست؛ در این مورد با تحریم ها و در تنگنا قرار دادن کشور سعی در بن بست قرار دادن سیستم مدیریتی کشور را دارد و در کنار هر مشکل و مسئله سعی میکند با ترویج تعاریفی از رویدادهای اجتماعی و جهانی از جمله: گسترش انقلاب در خارج از ایران خروج سرمایه ایرانی، تضعیف قدرت مالی، بهانه ایجاد گروه های تروریستی، تقابل غرب با گروه های تکفیری و تروریستی منتسب به اسلام و ایران، اسلام ستیزی، نزاع های خیابانی، ترور و ... موجب تضعیف روحیه ملی و فردی و همچنین آماده سازی ذهنی برای تشنجات و درگیری های فیزیکی میکند.

نفوذ بنام توافق: ورود غربی ها به ایران در شرایط زمانی کنونی و نفوذ به تشکیلات هسته ای که فقط گوشه ای از تکنولوژی بومی ایران است و طبیعتا در ادامه به جبر خواهان بررسی موارد دیگر از جمله تسلیحات نظامی جمهوری اسلامی ایران خواهند شد از جمله خطرات بزرگی است که نظام اسلامی را در برابر نفوذ مستقیم غرب به کشور بعد از مذاکرات تهدید جدی می کند.

از جمله ی نتیجه مذاکرات و توافقات در شرایط آورده شده به شرح ذیل به نظر می رسد:

- ✓ بعد از اجرای توافقات و تثبیت آن تمامی تحریم های مرتبط هسته ای برداشته می شود ولی بلافاصله همان تحریم ها به عناوین دیگری دوباره اعمال می گردد.
- ✓ غرب به بهانه بررسی و نظارت مراکز هسته ای بصورت مستقیم وارد ایران شده و به راحتی امکان مدیریت نیرو های داخلی را بدست می آورد.
- ✓ نیرو های داخلی غربی ها به سرعت رشد کرده و برای نظام مشکل و خلل ایجاد خواهند کرد.

✓ غرب با حيله هاى هميشگى خود بعد از مدتى نا امن و ناسالم بودن مراكز هسته اى ايران را اعلان مى كند و خواستار تعطيلى همه جانبه مراكز هسته اى كشور مى شود.

✓ در كل نتيجه حقيقى مذاكرات تعطيلى مراكز هسته اى جمهورى اسلامى ايران و آغاز يك داستان جديد براى نابودى نظام اسلامى خواهد بود.

✓ ايران به هيچ يك از خواسته هاى خود دست نمى يابد در حالى كه تمامى امور در قالب توافقات ادامه مى يابد ولى غرب علاوه بر تسلط بر تكنولوژى بومى هسته اى ايران بعد از ۳۷ سال دوباره حضور فزيكى خود را در داخل كشور ايران احيا مى كند و اين بزرگترين خطرى است كه ميتواند نظام جمهورى اسلامى ايران را تهديد كند.^۴

مجموع موارد شوم متذكر شده در بالا همگى فقط مقدمات و اخبارى از يك رويداد بزرگ جهان هستند و آن تلاش غرب براى نابودى انقلاب و جمهورى اسلامى ايران است كه بر اساس شواهد و شرايط موجود با چنين چينشى قصد وارد كردن ضربه ي مهلكى به نظام اسلامى را دارد.

^۴ sadr-t.blog.ir

○ آیا فتنه ای بزرگ تر در راه است؟

همانطور که در گذشته آورده شد فتنه شرایطی از مجموعه ای عملکرد هاست که در نتیجه مانع تصمیم صحیح و نتیجه درست در اذهان مردم و خواص میشود. بدلیل شرایط مه آلود و عدم شفافیت مسائل و نا محسوس بودن رویداد ها شناخت و عملکرد مناسب بسیار سخت و دشوار است. لکن نمود فتنه در شرایطی که جامعه از عرصه انتخاب و عمل علنی وارد میشوند بیشتر است.

نمودی از خروجی فتنه در کشور ما در سال ۸۸ اتفاق افتاد که نه تنها قشر خاکستری بلکه قسم قابل توجهی از خواص جامعه را نیز دچار اشتباه کرد.

نمودی دیگر و نامحسوس تر در سال ۹۲ اتفاق افتاد که موجب اختلاف و تزلزل جبهه انقلاب شد.

با شرایط تعریف شده که در این شرایط فتنه چه خروجی در انتخابات آینده خواهد داشت و به نسبت موارد گذشته در چه سطحی از شرایط اجرا خواهد شد مطلبی است که با بررسی شرایط و مقدمات بروز و ظهور بدست خواهد آمد.

قبل از بررسی موارد و مسائل لازم به ذکر است در مورد اینکه چرا بروز و ظهور فتنه در انتخابات های ریاست جمهوری رخ میدهد و در انتخابات های دیگر چنین نیست.

اتفاقا در انتخابات مجالس شورای اسلامی، خبرگان و شورای شهر به دلیل کثرت شرکت کننده و قومی و قبیله ای بودن انتخابات، انتخاب اصلح و صالح کمرنگتر بوده و نفوذ راحت تر است اما بدلیل عدم همبستگی و یکپارچه گی آرا و کثرت گزینه ها ایجاد تشنجات فیزیکی بسیار سخت و غیر قابل کنترل می باشد ولی در انتخابات ریاست جمهوری با قدیمی ترین بازی ساده انتخاباتی یعنی دوقطبی کردن فضا به راحتی میتوان کل کشور را به سمت مورد نظر کشید.

در انتخابات ۸۸ شرایط به وجود آمده از ویژگی های زیر برخوردار بود:

- ایجاد شبکه مردمی
- ترغیب قشر خاکستری
- اجرای عملیات های امنیتی با حداقل نیرو و تمرکز بر نیرو های داخلی تربیت شده
- عدم ارتباط مستقیم با خارج از کشور
- آرامش امنیتی بیشتر نسبت در زمان کنونی در حاشیه مرزها
- عدم تهدیدات امنیتی و تروریستی از طرف گروه های مهاجم
- کمبود ظرفیت های فنی و مالی فتنه گران
- انسجام جبهه انقلاب
- عدم برآورد صحیح از اوضاع پیش رو بدلیل عدم تجربه مشابه
- و....

در انتخابات ۹۲ شرایط به وجود آمده از ویژگی های زیر برخوردار بود:

- ابهام سیاسی و انشقاق در جبهه انقلاب
- آشفتگی در تمامی جریان ها و احزاب
- جذب پتانسیل بدنه اجتماعی با ممانعت از تجمعات و برنامه های فیزیکی
- قدرت امنیتی بالا نظام برای مقابله با هرگونه تشنج فیزیکی
- و...

در انتخابات ۹۶ شرایط به وجود آمده از ویژگی های زیر برخوردار خواهد بود:

- انشقاق شدید و شاید در حد نزاع در جبهه انقلاب
- تضعیف قدرت امنیتی با افزایش خط حمله در جبهه مقاومت و تهدیدات گروهک های تروریستی
- نفوذ غربی ها بعد از برجام به طرق مختلف
- قدرت مالی بالا توسط قدرت های موجود در حاکمیت
- مجلس مدافع
- دولت متمایل
- فشار مالی بر روی مردم
- انزجار مردم از شرایط اقتصادی و اجتماعی موجود
- تقویت و تحریک گروه های سیاسی قومیتی جهت تحریک بیشتر مردم و کшدار کردن قضایا
- احتمال حمله های تروریستی و نظامی در مرزها و شهرهای مختلف کشور
- و...

فصل دوم:

چگونگی فتنه ۹۶

- چگونگی فتنه ۹۶
- آینده نگری در دیپلماسی غرب
- عملیات های روانی در علیه جمهوری اسلامی
- در نگاه جامعه داخلی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی
- در نگاه جامعه جهانی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی
- فضا سازی سیاسی و امنیتی
- مهره سازی و مهره چینی برای تحقق هدف از فتنه
- انتخابات مجلس در آئینه فتنه ۹۶
- جناح ها در حال و هوای فتنه ۹۶

○ چگونگی فتنه ۹۶

در شرایط فتنه یکی از شرایط و ملزومات، شناخت و شناسایی مسیر و راهکار های اجرایی و مجریان طرح فتنه می باشد موجب شناسایی آسان تر برنامه ها و عملکرد فتنه گران می شود. در این خصوص در ادامه مطالبی که ذکر شده در فضای عملیاتی به مواردی از عملیات های دشمن در خصوص رقم زدن فتنه ای بزرگ و مقدماتی که انجام داده است در مدت زمان های مختلف و قابل توجه می باشد اشاره می شود.

○ آینده نگری در دیپلماسی غرب

مبحث پیشرفته ای در غرب مورد استفاده می شود با عنوان "آینده پژوهی" که کارشناسان و متخصصین خاص خود را دارد. دیپلماسی غرب می تواند با استفاده از این علم برآوردی از آینده دور و نزدیک داشته باشد و برنامه ریزی مناسب و دقیقی را برای جهان تنظیم و تدوین نماید. متخصصان با این علم قدرت پیش بینی و اطلاع از روند جریانات و چالش های موجود در جامعه هدف را بدست می آورند و میتوانند با در نظر گرفتن ضعف ها و قوت های هدف مورد نظر با اجرای عملیات های موردی برای بیش از ۳۰ و حتی ۵۰ سال نتیجه مورد نظر خود دست پیدا کنند؛ و چون بر اساس این برنامه ریزی ها و هدف گذاری ها مطمئن به عملکرد خود و خواسته های خود هستند در موقعیت های مختلف انعطاف های متناسب را در سیاست های داخلی و خارجی از خود ارائه می دهند.

نفوذ افراد در جامعه هدف یکی از این موارد است.

نفوذ افراد در دوره های مختلف انقلاب مثال های مختلفی را به خود دید است که ضربه های بزرگی را به نظام و انقلاب وارد کرده اند.

غرب با تجربه های چندین ساله خود به این داشته رسیده است که اوایل هر انقلابی در نا بسامانی و بی ثباتی به سر میبرد و به راحتی میتوان نیرو های مورد نظر را وارد سیستم جامعه هدف کرد. با گذر زمان و نفوذ بیشتر هر کدام از آنها، وظایف مورد نظر خود را انجام دهند؛ در حقیقت در این روش استراتژی کلی و مسیر جریان کاملاً به صورت دقیق مشخص می شود و جزئیات مسیر با احتمالات از مدل های مختلف برآورد شده و فرد مامور خود و همچنین راهنمایی هایی که در طول مسیر به وی می رسد و جریانات حوزه خود را به مسیر اصلی طبق نقشه معیار متمایل می سازد.

در علم آینده پژوهی بر اساس داشته ها و تعریف اعتقادی و اجتماعی یعنی عواملی که به زودی تغییر پذیر نیستند و در طول تاریخ سیر تکامل را طی میکند و از مسیر واحدی تبعیت می کنند استفاده می شود که شناخت و تعریف دقیق آنها امکان تعریف ادامه مسیر فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و بینشی را به تحلیل گران می دهد. شناخت دقیق از رویدادها و اندیشه ها و آرمان های حاکم بر آن که برانگیخته از همان معیار های ذکر شده است نشان از چارچوب شخصیتی جامعه فردی، جوامع خرد و جامعه کلان می باشد در صورت تعریف تمامی این شاخص ها با عملیات های روانی و برنامه ریزی های مناسب این امکان را به استکبار می دهد که به نسبت هر موقعیت گزینه مناسب را رو کرده و هدف خرد و کلان را با مقصد مورد نظرش بکشانند.

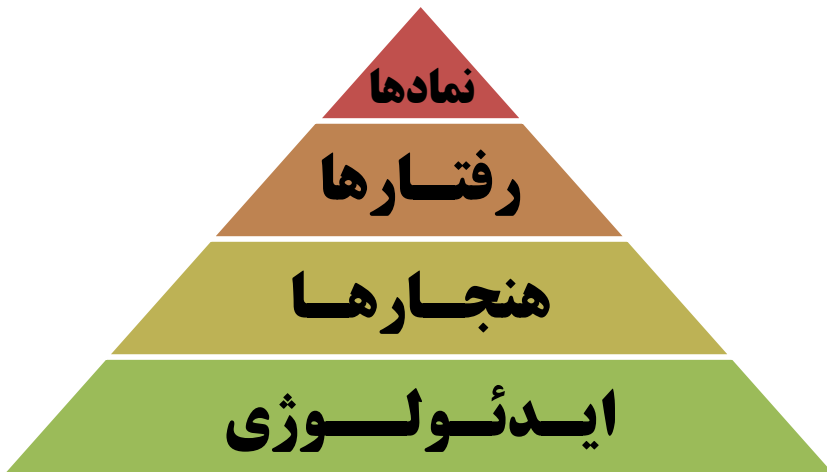
○ عملیات های روانی در علیه جمهوری اسلامی

در حوزه جامعه شناختی با مبحثی با عنوان عمل و عکس العمل یا بازخورد و یا کنش و واکنش مواجه هستیم.

در هر کنشی از هر جنس سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، نظامی و... فاعل فعلی را برای مفعول انجام میدهد. در جواب آن متناسب شخصیت فردی و اجتماعی و شرایط زمانی و مکانی و روانی مفعول پاسخی را به سمت فاعل اولیه ارائه میکند که این عمل تعریف کننده ظرفیت و سطح مفعول می باشد.

در هر عملیات روانی می توان با داشتن شناخت مناسبی که از هدف، رفتاری را انجام داد که بازخورد مدنظر را از آن دریافت کرد تا بتوان نهایت استفاده را از بازی روانی برد.

در این حوزه لازم میدانم به هرم فرهنگ اشاره کنم که طبقات و ساختمان فرهنگ را نشان می دهد.



ایدئولوژی: اندیشه و باورهایی که در مبنای فرهنگ وجود دارد، اعتقادات و اصول باور هست که با قدرت و ثبات خاصی در کنار هم قرار گرفته اند

هنجارها: باید ها، نباید ها و قوانینی هست که در تبعیت از ایدئولوژی اجرای آنها ضروری می باشد.

رفتارها: کنش ها و واکنش های متأثر از هنجار های بر مبنای ایدئولوژی

نمادها: نماد فرهنگی می تواند یک تصویر، سمبل، آرم، نام، چهره، شخصیت، ساختمان یا چیزهای دیگری باشد که به سهولت، شاخص و برجسته می شود و به طور کلی چیزی یا طرز فکری را با یک مفهوم وسیع فرهنگی به گروه فرهنگی بزرگی ارائه می دهد. ارائه یک شیء یا شخصیت ممکن است از این جهت حائز اهمیت باشد که وضع منحصر به

فردی در بیان و ارائه مکان خاص یا دوره‌ای از تاریخ یا گروهی از مردم داشته باشد یا قشر خاصی از مردم آن را دوست بدارند یا برای آنها مهم باشد.^۵

همانطور که در هرم نشان داده شد قوام و ثبات فرهنگی از سمت پایین به بالای آن است اما تغییرات فرهنگی از بالای هرم به پایین آن است. یعنی امکان دارد که فردی مدعی شود که ایدئولوژی یک فرهنگ را قبول داشته باشد ولی نماد و رفتارهای آن را قبول نداشته باشد. و بدلیل اینکه هر نماد و رفتاری حامل یک سری معانی و مفهوم‌های خاص ایدئولوژیک هست قبول نمادها و رفتارهای فرهنگ بیگانه به مرور زمان موجب تغییر هنجان‌ها و ایدئولوژی‌ها نیز خواهد شد به صورتی که دیگر نیاز به مباحثه‌ها و مناظره‌ها و جدال‌های محتوایی برای رقابت فرهنگ‌ها نیست و فرد مخاطب به راحتی پذیرای مبانی تحمیل شده می‌باشد.

در این خصوص برنامه‌های مختلفی در قبال نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به اجرا در آمده است که متأسفانه بخش قابل توجهی نیز به ثمر نرسیده است.

▪ عملیات‌های روانی در نگاه جامعه داخلی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی

عملیات‌های روانی بسیاری در طول عمر انقلاب و نظام اسلامی اجرا شده که با عبارت‌های: حمله فرهنگی، ناتو فرهنگی، شبیه خون فرهنگی، جنگ نرم، و... معرفی و تعریف شده‌اند.

نماد_فرهنگی/ https://fa.wikipedia.org/wiki/نماد_فرهنگی

برنامه های عملیات روانی اجرا شده در کشور دنبال کننده نتیجه ای با مضمون عدم کفایت نظام اسلامی بر پایه انقلاب اسلامی بوده و همچنین محرک ذات انقلابی و آزادی خواه ایرانیان جهت رقم زدن انقلابی دیگر برای رهایی از بند این انقلاب است که نتیجه ای جز نابودی انقلاب توسط عامل خود را نخواهد داشت و جلوه ای از پشیمانی را در بر خواهد داشت که حقیقتا چهره ها و مردم را در عمل انجام شده قرار داده و موجب نتیجه گیری غلط خواهد شد.

برای جلوگیری از اطاله کلام به ذکر عناوین عملیات های روانی و تغییرات نمادی و فرهنگی در صدد رقم خوردن فتنه ۹۶ با مشخصاتی که در بخش چهارم فصل اول آورده شده است بسنده می کنیم که با توضیحات آورده شده کاملا قابل تجزیه و تحلیل می باشند:

- ترویج ضد فرهنگ های دینی
- تنش های امنیتی
 - اسید پاشی
 - ضرب و شتم نماینده مجلس
 - ترور در منطقه اهواز و خوزستان
 - ترور در مناطق سیستان و بلوچستان
 - عضویت ایرانی ها در داعش
 - تهدید بمب گذاری در شهر تهران و پوشش امنیتی شهر
 - و...
- ترویج لباس های لجنی تیپ نظامی به عنوان مد در پسران و دختران
- تلفات در خیابان های تهران بدلیل بیکفایتی مسئولان

- ترویج شعائر غیر دینی
- ترویج کریسمس بجای هفته وحدت
- تولید کلیپ با موضوعات مختلف در قالب طنز
- تولید کلیپ های طنز توسط خانوم های ایرانی بدون حجاب و حفظ شعائر دینی و ملی
- عدم اعتماد به دولت
- تخریب چهره های ملی و مذهبی
- ترویج فرهنگ تمسخر و نشر آن
- فروش انبوه خودرو
- فشار های مالی و اقتصادی به مردم
- توهین به قومیت های مختلف
- ترویج تقابل ملی گرایی و مکتب ایرانی با اسلام گرایی و دین مداری
- جهان سومی و عقب ماندن از دنیا در نتیجه تبعیت از انقلاب و نظام اسلامی
- فساد مالی در جامعه اقتصادی کشور
- اختلاس های چند هزار میلیاردی
-
- و....

▪ عملیات های روانی در نگاه جامعه جهانی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی

علاوه بر داخل جامعه نظام جمهوری اسلامی دشمن برای از بین بردن داشته های انقلاب تبلیغات و عملیات های روانی بسیاری اجرا کرده است. نتیجه این تبلیغات و برنامه ها این خواهد بود که بروز کوچک ترین ناهماهنگی ملی در داخل کشور به معنی اتمام دوران اسلام گرایی و در کل دین گرایی و به بن بست رسیدن اندیشه های اسلامی و انقلاب اسلامی است و همچنین حذف انقلاب اسلامی از اذهان جامعه جهانی بخصوص جامعه مستضعف جهانی به عنوان الگوی آزادی و آزادی خواهی را در بر خواهد داشت؛ از جمله آن ها را که در مسیر تکامل فتنه ۹۶ بوده است را به اختصار می آوریم:

- اسلام ستیزی

- تشکیل گروهک های تروریستی با عناوین مختلف اسلامی
- ترویج تصاویر و مفاهیمی از خشونت و غیر عقلانی بودن رفتار های منتسب به تشیع و اسلام
- تشکیل مجموعه های تبلیغی و پشتیبانی آنها به اسم تشیع و تسنن جهت ترویج اعتقادات و تعاریف نادرست از اسلام و تشیع و تسنن
- و..

- جایگزینی چهره ثانی به جای چهره رهبری به عنوان رهبر انقلابی جهان اسلام

- درگیری بر سر قدرت و در داخل ایران
- تنزل قدرت ایران در برابر غرب

- حمایت ایران و حزب الله از درگیری های منطقه و محرک آن
- تبلیغ فقر و فحشا در ایران
- انزجار ایرانیان از حکومت و حاکمیت و کشور خود
- نقش متحجرانه و سنتی در دیدگاه های فرهنگی ایرانی اسلامی
- و....

○ فضا سازی سیاسی و امنیتی

آب در داخل رود به شکلی دیده و حرکت می کند که فضا و شکل رود و سنگ ها و ماسه های داخل آن حکم می کنند. در جریانات و رویداد ها فضا و جو غالب در جامعه هدف و حتی جوامع پیرامون آن شکل دهنده مهمی هستند و تاثیرات مبنایی به مدل بازی می گذارند. مثلا تفاوت عمده فوتبال و فوتسال در شکل و اندازه زمین بازی است که منجر میشود تغییری در قوانین آن هم ایجاد شود.

سه عامل اصلی کلان اثر گذار در جریانات مطرح می شود عبارتند از: عوامل سیاسی، امنیتی، اقتصادی که هر سه عامل مکمل و موید همدیگر هستند.

یعنی چنین می توان گفت که موقعیت و وضعیت سیاسی، امنیتی و اقتصادی جامعه هدف چیزی است که مهاجم آنها را در نظر گرفته و حمله مناسب را انجام می دهد. امروزه قدرت های بزرگ غرب با امتیازاتی که در دست دارند و قدرت کاذب دیپلماسی که در جهان برای خود ساخته اند بر اساس برنامه ها و اهداف، فضای مورد نیاز را نیز ایجاد می کنند و عملیات های روانی و برنامه های تهاجمی خود را طبق برنامه ریزی های از پیش تعیین شده اجرا می کنند.

در جریانات فتنه ۹۶ نیز هر سه عامل به صورت دقیق و ظریف برنامه ریزی و اجرا شده است. که مقدمات این نفوذ ها از تقابل نادرست و هدفمند دولت نهم و دهم و تحریم های سخت و شکننده غرب بر کشور و در نهایت درخواست تفاهم و مذاکره با غرب و در حقیقت آمریکا که توسط دولت ها دهم و یازدهم رقم خورد و نتیجه ای به نام برجام را به صفحه تاریخ نقشی همیشه گی بست.

به صورت اجمالی هر سه عامل را در این حوزه از بحث مورد بررسی قرار می دهیم:

اقتصادی: بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و قطع روابط با آمریکا که به معنی کوتاه شدن حقیقی دست استکبار از جمهوری اسلامی بود ایران در تحریم های مختلف به سر برده است. اما همه تحریم ها رنگ و بوی خاصی داشته و با ریزکاری های سران و مدیران کشور سعی در عدم اجازه به تحریم ها شده بود اما در دولت های قبلی بر اساس برخی عملکردهای نابخردانه موجب شد غرب بهانه کافی برای تحریم کلی و بن بست کامل برای جمهوری اسلامی ایجاد کند و ضربه بزرگی به صنعت و بازار ملی وارد شد. بعد از آن در حین انجام مذاکرات ۱+۵ اقتصاد ایران با اخبار و کنش های روانی، راکدو بدون فعالیت ماند و رکود اقتصادی در کشور بوجود آمد. بعد از برجام مشروط دولت اقدام به ارتباط گیری اقتصادی و جذب سرمایه به کشور کرد که نتیجه آن ورود تجار و سرمایه گذاران خارجی در حوزه های مختلف به ایران شد.

برجام توافقی مشروط است و طبق شواهد موجود که در توضیح عوامل دیگر بیشتر به آن می پردازیم با سنت اصطلاح رایج دبه درآوردن از سوی غربی ها در نیمه سال ۹۵ تقریباً در همان ایام سالگرد توافق مشروط برجام، ملغی اعلام می گردد این درحالی است که دولت تلاش داشته با جذب سرمایه و ارز به داخل کشور توسط تجار و سرمایه گذاران خارجی به نسبت کنترل رکود را در کشور به دست بگیرد. اما با لغو برجام تمامی

سرمایه‌هایی که مشروط به برجام وارد کشور شده بودند به جبر از کشور خارج می‌شود و این درحالی خواهد بود که خلا اقتصادی به وجود آمده از خروج سرمایه خارجی حساب شده در بودجه جایگزینی برای خود ندارد و موجب بحران اقتصادی و حتی تا حد قحطی نیز پیش خواهد رفت. این تنها چیزی است که مردم را به انزجار از سوء مدیریت نظام وارد صحنه خیابان‌ها می‌کند و طبق تجربه همین برنامه در کشورهای دیگر موجب آشوب و درگیری‌های شدید درون شهری می‌شود.

عاملی که دلیل بسیاری از انقلاب‌های مردمی، کودتاهای نظامی و تغییرات نظامی در کشور‌های مختلف و حتی تجزیه ارضی کشورها شده است

و چه شکستی بزرگ‌تر از این که انقلاب مستضعفان بدست مستضعفان همان جامعه برانداز شود.

سیاسی: سیاست کلی نظام و انقلاب از اول مبارزه با استکبار و جلوگیری از نفوذ بوده بخصوص بعد از تسخیر لانه جاسوسی رابطه به آمریکا کاملاً قطع شد و این برنامه استقلال توسط رهبران و مدیران انقلاب تقویت و برنامه‌های توسعه ملی بر این اساس ریخته شد.

بعد از جنگ دولتی که روی کار آمد اولین دولتی بود که بعد از ۱۰ سال نا آرامی و جنگ و تخریب می‌خواست کشور را به آرامی کنترل کند، بر اساس ماهیت سازندگی که داشت بیشتر در حوزه سرمایه‌گذاری سیاست‌گذاری کرد که این امر موجب ترویج فرهنگ و سیاست سرمایه‌داری شد. این ترویج سرمایه‌داری و صنعت‌گرایی موجب شد که بدلیل عدم رشد علمی و صنعتی بومی پای صنعت‌گران خارجی و در داخل افراد غیر متعهد به عرصه کار و زار و مدیریت باز شود.

این نزدیکی سلسله وار به نظام سرمایه داری در حقیقت فاصله گیری سلسله وار و تدریجی را از آرمان بزرگ انقلاب یعنی رسیدگی به مستضعفین را به دنبال داشت. و این اولین پله نفوذ علنی و عملی در بدنه اجرایی و مدیریتی انقلاب و نظام تازه تاسیس جمهوری اسلامی ایران بود.

دولت بعدی که از بتن دولت پنجم و ششم به وجود آمد در تقابل با سیاست سرمایه داری دولت قبلی به ترویج سیاست فرهنگی و ترویج اندیشه های سیاست های لیبرالی و سکولاری پرداخت که باعث شد رونق بسیاری در دانشگاه ها و مجامع علمی فرهنگی و حوزه علوم انسانی و اندیشه ای غرب بوجود آیند که در ادامه نفوذ سرمایه ای در دو دولت قبلی این نفوذ اندیشه ای و آرمانی نیز مکمل آن شد.

این برنامه های چنان به سرعت اجرا شد که افراد مدافع آرمان های انقلاب بیشتر در جریانات امنیتی درگیر شده بودند و قشر قابل توجهی از مردم در داغ جوانان از دست داده در سالهای انقلاب و دفاع مقدس به سر میبردند و درگیر مسائلی چون تفحص و تشییع پیکر شهدا و آزادی اسرای ایرانی بودند اما در جبهه مقابل سخت در حال آموزش و پرورش نیروهای متخصص و کارورزیده در اندیشه های غرب در حال تکاپو بودند. برای همین در دولت های هفتم و هشتم با بستر سازی که انجام شد سریعاً شروع بر فعالیت های علنی و بعضاً تقابل با انقلاب کردند. یکی از رویداد های مهم و اساسی این گذر از تاریخ انقلاب فتنه ۷۸ و درگیری های متمرکز شده در مجامع دانشگاهی بود.

ترویج این سیر از اندیشه های غربی در تقابل اندیشه های تعریف نشده انقلاب اسلامی موجب انزوای اقشار انقلابی و خلا انقلاب در جامعه شد. جامعه نسل اول انقلاب که هم انقلاب را رقم زده بودند و هم در دفاع مقدس همه جانبه هزینه کرده بودند.

دولت نهم که اتفاقاً آن هم از بتن دولت پنجم و ششم بود دقیقاً از همین سیاست خلا استفاده کرد و با شعار آرمان های انقلاب و گرایش به مستضعفین سکان دولت را بدست گرفت، این دولت با تمام قدرت شعار انقلاب را سر میداد و توانست اکثر قشر انقلابی نظام جمهوری اسلامی ایران را به سمت خود جذب کند. این نفس انقلابی در سیستم دولت بعد از بیش از ۱۰ سال در کشور باعث ایجاد جو انقلابی عام و عدم تمرکز دقیق به عملکرد دولت شد. اما در قیاس با دولت های قبل این دولت احیا کننده آرمان های انقلاب و بها دهنده به مردم انقلابی نام گرفت. مهمترین و اساسی ترین رخ داد در این گذر از تاریخ انقلاب فتنه ۸۸ بود که بعد از ۱۰ سال از فتنه ۷۸ اجرا شد. این روخداد باعث شد تنش های امنیتی شهری در کشور بوجود بیاید با زیرکی تمام موجب افزایش محبوبیت دولت در میان قشر مدافع انقلاب شد. دولت نهم و بخصوص دهم توانست با نزدیکی عمیق به انقلاب بدنه اجتماعی انقلاب را به خود جذب کند و با فاصله گرفتن از رهبر انقلاب و در موارد متعددی از مسیر انقلاب، قشر قابل توجهی را در مسیر انقلاب متزلزل کند. و توانست با سوءاستفاده از برخی آرمانهای انقلاب، برخی از آداب و اندیشه های انقلاب را به انحراف بی سابقه ای بکشاند. دولت انقلابی در سالهای پایانی عمر خود بر خلاف رویکرد قبلی اش درخواست ارتباط با امریکا و غرب را داشت و رویکرد سرمایه داری را در امورات خود پیگرفت. اختلال در روند دولت، تقابل و تعامل نادرست با رهبر انقلاب، اختلال در روند اقتصادی و سیاسی نظام و... از جمله برآیند این دولت بود.

دولت یازدهم که به ادعای خود در نابسامانی و ویرانی اقتصادی دولت را تحویل گرفته است. در ادامه درخواست دولت قبلی خواستار ادامه مذاکرات با غرب و ایجاد تفاهم و رابطه با غرب شد.

مذاکرات ۱+۵ شدت گرفت. با وجود اینکه برخی از عملکردها بر خلاف خواسته رهبری بود ولی گزارشات در رسانه های داخلی با غرور ملی و خبر از موفقیت های سیاسی بالایی ارائه می شد. در حالی که رفتار سیاستمداران غربی با حداقل بازخوردی که در داخل کشور داشت خبر از موفقیت غرب برای زانو درآوردن نظام جمهوری اسلامی ایران و موفقیت در مذاکرات را تعریف می کردند و این درحالی است که رسانه های جهان در دست استکبار غربی است نه دولت ایران!! این گونه اخبار در حالی که ایران درگیر به جبهه مقاومت در سوریه، عراق و یمن بود موجب سوء تفاهم و اختلال در مدیریت جبهه مقاومت و ناراحتی کشور های مستضعف از ایران شد.

خبر دوستی ایران با آمریکا و رها کردن کشور های جبهه مقاومت نتیجه این مذاکرات در جهان بود.

اما در حقیقا برجام یک توافق مشروط است. هر گاه از جانب غرب یعنی آمریکا ولی در حقیقت اسرائیل، عدم حسن عملکرد ایران اعلام گردد، برجام دوباره ملغی اعلام خواهد شد و شرایط بدتر از آنی خواهد شد که قبلا موجود بوده است، چرا که با نابودی بسیاری از اقدامات قبل مواجه خواهد بود.

بعد از آن با زیبا جلوه دادن شرایط سیاسی و نتیجه مذاکرات راه برای حامیان غرب در داخل کشور برای مجلس باز شد. با شرایط جوی حاضر و حرکت نادرست اصولگرایان در دوره های مختلف منجر شد که مجلس در دست حامیان غرب افتاد. بعد از آن شرایطی است که برجام به سیاست دبه ای آمریکا ملغی شود و نتیجه فشار اقتصادی که در بحث قبلی مطرح شد به وجود می آید. در این شرایط مجلس تازه به دوران رسیده باعنوان در جهت حفظ منافع ملت با اعتراض به دولت از روند نادرست در مذاکرات و سیاست های داخلی و خارجی او را محکوم میکند(تابستان و پاییز ۹۵). این درحالی است که کمتر از

یک سال به انتخابات ریاست جمهوری زمان باقی است و جوسپاسی در کشور همانند جو اقتصادی در حالت مبهم و خطر ناکی قرار میگیرد. بعد از چند ماه از این ماجرا مدعیان مسند ریاست جمهوری که از زمان توافقات نسبی برجام شروع به برنامه های رسانه ای خود کرده بودند، طبل های تبلیغاتی خود را به صدا درمی آورند.

نکته قابل توجه اینکه با وجود اینکه میزان رای و نسبت نمایندگان مدافع غرب بیشتر از مدافعان نظام و انقلاب است البته با احتساب اینکه برخی از افرادی که به نام اصولگرایی ثبت نام کرده اند در عمل و کارنامه عملشان دقیقا در تقابل با انقلاب و دفاع از غرب است، اما شاهد این بودیم که هم در مجلس خبرگان رهبری و هم در مجلس شورای اسلامی مدیریت و مسئولیت مجالس بر دوش طیف مدعی مدافع انقلاب گذاشته شد. و این مطلب نتیجه ای جز این را نخواهد داشت که در شرایط بحرانی و سخت پیش رو زمانی که در روی قوا و ارکان مختلف نظام فشارهایی وارد می شود تمامی اختلالات و مشکلات و آسیب های بوجود آمده به مدعیان مدافع انقلاب نوشته شده و موجب بدنامی و منفوریت آنها در جامعه اجتماعی خواهد شد.

انتخابات زودهنگام نسبت به ادوار گذشته جو سیاسی و ملتهب اجتماعی اقتصادی را بدون فاصله به جریانات انتخابات وصل میکند و این فشردگی زمانی میزان التهاب جو روانی را بالا برده و شرایط مدیریتی را بسیار سخت و غیرقابل کنترل خواهد کرد.

در بهمن ماه ۹۵ که فضای کشور کاملا انتخاباتی و سیاسی است، با شروع مرحله ثبت نام کاندیداتوری رواسای دولت های هفتم و هشتم و نهم و دهم اقدام به ثبت نام می کنند.

این درحالی است که هر دو این شخصیت ها بنا به دلایل مختلف سیاسی، امنیت ملی و اقتصادی دارای پرونده قضایی در دست اقدام هستند که بر اساس قانون می بایست از

طرف شورای نگهبان رد صلاحیت شوند. اما این در حالی است که این شخصیت ها و جریان ها در طول سالها توانسته اند بدنه اجتماعی خود را برای چنین شرایط تقابلی آماده کنند.

در خواست هر دو شخصیت در فضای دو قطبی برای احساسی حق کاذب خود منجر به آغاز تشنجات امنیتی در داخل شهر ها خواهد شد. این فضا زمینه ای برای تخلیه فشار اقتصادی و نارضایتی مردم از مدیریت نظام است. البته شایان ذکر است که بدنه اجتماعی که در سال ۸۸ به اغتشاش علیه نظام پرداختند با سرکوب شدن در آن سال درخواست ادامه اقدامات در انتخابات ۹۲ را داشتند. اما با اطلاعی که سران فتنه از شرایط امنیتی و قدرت حفاظتی نظام و همچنین عدم مناسب بودن فضای سیاسی و بصیرتی در بین مردم مانع از این قضیه شدند و بازی سیاسی را به نحوی اداره کردند که این فشار و بار روانی در بازی دیگری مورد استفاده شود و ۴ سال دولت یازدهم بهترین موقعیت برای تقویت این قوا بوده است. ورود مستقیم و بدون واسطه غربی ها با عناوین مختلف از جمله: بازرسان آژانس، واسطه های سیاسی، سرمایه گذار، تاجر، توریست، فعالان رسانه ای و اجتماعی و ... به کشور و ارتباط با سران فتنه و تغذیه مالی و تئوریک آنها از جمله نقاط قوت فتنه ۹۶ خواهد بود. یکی دیگر از نقاط خاص و قوت فتنه ۹۶ این خواهد بود که یکی از طرفین بازی که تعریف شده معاندان انقلاب است، قبلا منتسب به گفتمان انقلاب و قشر انقلابی است. با وجود اینکه ایشان خود در موارد متعددی گویای عدم انتصاب شان به این قشر از سیاسیون بوده ولی جو حاکم موجب خواهد شد در بازگویی خاطرات فتنه ۸۸ تداعی نادرستی در اذهان مردم صورت پذیرد، و این موجب انشقاق جبهه مدافع انقلاب شده و موجب تضعیف قدرت عملیاتی انقلاب خواهد شد.

تمامی بازی در شرایطی اجرا می شود که دو فرد در تقابل هم درآمده در هیچ برهه از تاریخ در هیچ حوزه ای نه تنها مخالف هم نبودند بلکه در بعضی مواقع موید، مکمل و بانی اجرای عملیات های طرف دیگری نیز بوده اند و حال این تقابل واقعا بازی مسخره ای خواهد بود.

یکی دیگر از رفتارهای سیاسی که مویدی بر این نتیجه می باشد برخی جریان سازی ها و عملیات های روانی توسط اطلاع رسانی هایی در خصوص برخی اشخاص یا جناح ها است.

انتشار و رسیدگی به مقوله فیش های نجومی منتسب به دولت و بعد از آن مقوله زمین های نجومی منتسب به شهرداری تهران و شهردار تهران که احتمال می رفت یکی از گزینه های مناسب ریاست جمهوری از جانب طیف مدعی مدافع انقلاب باشد. گفتمان یکسان و استفاده از عبارت متشابه نجومی در هر دو جریان و افشاگری و بزرگ نمایی و همچنین ابراز حق کشی مردم در شرایطی که مردم در شرایط مالی سختی به سر می برند، مطلبی است که دو طیف را تضعیف و در به صورت جبر و ناخودآگاه دو طیف دیگر را تقویت می کند. طیف دولت وقت و طیف مدعیان مدافع انقلاب اسلامی تضعیف و طیف غرب گرا و معاندان انقلاب است که قبلا منتسب به گفتمان انقلاب و قشر انقلابی است تقویت و مستقیم در جریان انتخابات ریاست جمهوری ۹۶ قرار میگیرند.

امنیتی: مباحث امنیتی در قبال انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران مسئله ای است که نسل چهارم انقلاب از بدو تولد آن را شنیده اند و نسل اول انقلاب به چشم خود دیده و یک عمر با نوای آن زندگی کرده اند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مردمی ایران اولین گزینه امنیتی و نظامی رو شد و نزدیک ۱۰ سال کشور را به خود درگیر کرد.

بعد از پیروزی سربلند ملت و انقلاب اسلامی، غرب گزینه نظامی را در همه دوان های تاریخی صرفا به عنوان یک لفظ استفاده کرده است و جرات ورود مستقیم به ایران را نداشته است. در نهایت استراتژی امنیتی غرب علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران محاصره نظامی آن بوده است.

حمله به کشور های افغانستان، پاکستان، عراق و ایجاد پایگاه های نظامی و امنیتی علیه جمهوری اسلامی علاوه بر این کشورها در کشورهای ترکیه، آذربایجان، عربستان، عمارات و در نهایت مداخله در اکراین و بستن حلقه نظامی در حاشیه مرزی ایران، اما نتیجه ای جز توقف نا محدود و نامعلوم برای غرب نداشت. استکبار غرب سعی کرد با تشکیل گروهک های تروریستی در کشور های افغانستان و پاکستان جمهوری اسلامی ایران را با ترورهای متعدد به زانو درآورد که در این حوزه نیز با قدرت نظامی و امنیتی ایران مواجه شد و کار به نتیجه نرسید.

جنگ نیابتی آخرین گزینه ای بوده که غرب رو کرده است و در جبهه های مقاومت در سوریه ، عراق ، یمن به مبارزه با انقلاب اسلامی پرداخته است.



بر اساس گفته خود غربی ها حضور نظامی غرب در منطقه به منزله شکست بزرگ سیاسی آنها خواهد که در زمان حاضر این اتفاق رخ داده است و تنها راه حل غرب اجرای فاز نظامی و امید به پیروزی در این عرصه است.

اصلی ترین دغدغه صهیونیسم حفظ اورشلیم یا همان اسرائیل است که سعی دارد با حذف سوریه همراه جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی-مردمی ایران، سوریه آمریکایی را که حائل اسرائیل باشد بسازد. و با سرکوب کردن یمن از طریق بستن تنگه عدن، اسرائیل را در حصار امنیتی زمینی آبی- خاکی قرار دهد.



داعش آخرین بازی غرب برای تزلزل امنیتی منطقه است.

با شرایط امنیتی ایجاد شده در منطقه و درگیری های قومی و مذهبی که از جانب غرب در حال کنترل است با توجه به شرایط سیاسی و اقتصادی که قبل آورده شد هدف اصلی در تمامی درگیری ها جمهوری اسلامی ایران نام برده شده است.



این درحالی است که با فشار های اقتصادی وارد شده به منطقه بخصوص ایران توام مالی حضور در جبهه مقاومت را کاهش داده است. این به این معناست که دولت ایران بنا به دلیل اقتصادی می بایست جبهه مقاومت را رها کند. علاوه بر شاعبه های روانی و تبلیغی که در جهان بعد از توافق مشروط برجام ارائه شده است، نتیجه ای جز حمله مستقیم به ایران را ندارد. چرا که اگر گروهک تروریستی داعش و پشتیبان مستقیمش یعنی آمریکا در اولین لحظه ای که در سوریه و عراق احساس امنیت و پیروزی کنند، آن لحظه همان زمان آغاز حمله مستقیم به ایران و نفوذ به خاک ایران خواهد بود. نقشه ای که از اولین روز خود با این هدف طراحی و سازماندهی شده است. این در حالی است که داعش چندین بار قصد تعرض با مرز های ایران را داشته که با قدرت تام نظامی ایران مواجه شد و در شعاع بیش از ۴۰ کیلومتری مرز های ایران زمین گیر شد.

با تعاریف ارائه شده در عوامل سیاسی و اقتصادی در صورت بروز شرایط امنیتی در داخل کشور در شرایطی که قدرت نظامی درگیر حفظ امنیت مرزهای حاشیه ای کشور است، با دو حالت روبرو خواهد شد: باید به کار خود در تمرکز به مرزهای کشور ادامه دهد و ورود جدی به داخل کشور نکند؛ و یا با تمرکز به داخل کشور ناخواسته از تمرکز به مرزها و جبهه مقاومت کاسته شود.

با توجه با سابقه فتنه ۸۸ و عملکردی که گروهک های منافقان و تروریستی در نفوذ به کشور و اجرای عملیات داشتند برآورد می شود با درگیری های خارج و حاشیه مرزهای کشور و فضای امنیتی مرزهای کشور که مازاد بر آن می شود، با وجود کوچکترین اختلال امنیتی در کشور که با تهدیدات روز بروز گروهک های تروریستی بیشتر می شود، عامل ورود دوباره گروهک های تروریستی به کشور و سلب امنیت جامعه ایران گردد.

سعی فتنه گران بر این خواهد بود که این فضای امنیتی را به فضای سیاسی و اقتصادی اضافه کنند.

در این شرایط رویداد قابل توجه این خواهد بود که فتنه گران داخلی که فقط پله ای برای رسیده به هدف غرب بوده اند خود قربانی این قضیه خواهند شد و نه از گندم و نه از جو ری به آنها چیزی خواهد رسید و تنها طرفی که در این میان بدون مداخله مستقیم و رسمی به هدف خود خواهد رسید فقط و فقط غرب می باشد.

دو مطلب در اتفاقات روز دنیا قابل تامل است: ۱) حملات تروریستی توسط داعش و... در نقاط مختلف دنیا مختلف بخصوص قدرتمند همچون آمریکا و اروپا؛ ۲) انقلاب های مردمی و کودتاهای نظامی که در سطح کشورهای مختلف منطقه به وقوع می پیوندد.

حملات تروریستی جو روانی پذیرش امکان وقوع هرگونه عملیات ترور در داخل کشور را بسیار بالا می برد. و اینکه در نقاط مختلف دنیا بخصوص در سرزمین های دولت هایی که مدعی قدرت جهانی هستند این عملیات های به وقوع می پیوندد ولی در ایران هیچ اتفاقی نمی افتد یک حالت خوف و رجا در اذهان مردم به وجود می آورد که این آوارگی روانی خود موجب سست شدن روانی و افکار مردم میشود و قابلیت پذیرش وجود مشکل و همنین قابلیت اعتراض و ایجاد تشنج را به مراتب بالا می برد.

اما در خصوص انقلاب ها و کودتا هایی که در کشورهای مختلف منطقه رخ میدهد که میتوان گفت کمتر کشوری در منطقه از این مدل با ضعف و شدت متفاوت در امان است و سیر روند این تحولات کشور ها و ارتباط مستقیم و نیمه مستقیم آنها با ایران بطور کاملاً شفاف و روشن گویای این است که هر مردمی قابلیت این حرکت را دارد و اذهان مردم را برای بروز این اتفاق آماده می کند. تعدد و تفاوت کشورهای گویای این است که هر کشوری میتواند این تغییر را پذیرا باشد.

در چنین شرایطی با رخ دادن کوچک ترین چاشنی حرکتی در این مسیر پازل های این بازی سیاسی در کنار هم قرار گرفته و مهمترین اتفاق قرن را رقم خواهد زد.

○ مهره سازی و مهره چینی برای تحقق هدف از فتنه

شرایط مهره سازی و مهره چینی در فتن در محیط داخل و خارج جامعه هدف از اساسی ترین مسائل برای اجرای طرح های عملیاتی است.

مهره سازی و چینش مهره ها در بازی های سیاسی در مدل های زیر انجام می شود:

- ✓ ورود مستقیم فرد و نفوذ در شبکه جامعه هدف
- ✓ جو سازی و مهار نیرو های خاص خاکستری یا ثبات ضعیف
- ✓ معامله و یا خرید نیرو های داخل جامعه هدف

مسئله هر فرد نفوذ یافته در هر کدام از این شرایط که باشد در لایه های عمیقی از خفا خواهد بود. برای همین ادعای این که فردی خود فروخته یا نفوذ مستقیم دارد خیلی سخت است. در نهایت آن چیز برای ما مهم است، این که فرد یک شخصیت بیگانه و نفوذی است، و در شرایط کنونی که علیه سیستم مدیریتی و دیپلماتیک نظام عمل می کند می بایست به دقت شناسایی و مقابله شود. میزان و قدرت عملکرد فرد میتواند تا حدودی از جایگاه آن در تناسبات نفوذ که مطرح شد را بیان کند.

یکی دیگر از شاخص ها، بررسی سوابق عملکردی و سیر فعالیتی اشخاص هست که چگونگی سیر صعودی یا نزولی فرد را نشان می دهد و چگونگی ورود به سیستم مدیریتی نظام و نقش شخص در این چارچوب و منش سیاسی و رفتاری وی در گذرهای مختلف را معرفی می کند.

سوآلی که مطرح هست چرایی و چگونگی شناخت فرد نفوذی است.

بازی شطرنج را تصور کنید. این بازی از دو مجموعه مهره های ۱۲ تایی سفید و سیاه تشکیل شده است که بر روی زمین مشخص ۸*۸ ایفای نقش میکنند.

اگر زمین بازی را همان جامعه هدف و محل اجرایی شدن عملیات های تهاجمی تعریف کنیم، و مهره ها را در بهترین حالت به نسبت رنگ، خودی و دشمن گفته بشود (در فضای فتنه حتی ظرفیت و معیارهای شناخت افراد ناخوانا هستند) و در نظر بگیریم که ۱۲ مهره حریف که از ۸ سرباز، ۲ فیل، ۲ اسب، ۲ قلعه، ۱ شاه و ۱ وزیر با ماهیت ها و قدرت های مختلف مشخص شده در جایگاه های معین قرار میگیرند، هیچ کدام شاخصه ای برای شناسایی نداشته باشند و احتمال داشته باشد هر کدام از مهره ها که در زمین بازی دیده می شود در یکی از ماهیت هایی که گفته شد باشد و ما را در جایگاه کیش و مات قرار دهد در حالی که ما فکر می کنیم که مهره مقابل فقط یک سرباز ساده است که محدودیت قدرت و حتی محدودیت سرعت و مکانی برای حرکت دارد.

عدم شناخت ظرفیت ها و مهره های دشمن در زمین بازی موجب سردرگمی و در نهایت انتخاب و حرکت نادرست می شود که نتیجه ای جز شکست را نخواهد داشت.

در چنین شرایطی است که ضرورت شناخت مهره ها و شخصیت ها در معادلات سیاسی به وضوح دیده می شود.

لازمه این کار این است که:

- ✓ قبل از هر کاری کلیت وجود دشمن را در مقابل درک کنیم.
- ✓ وجود نقشه ها و استراتژی های دشمن علیه انقلاب را فهم کنیم.
- ✓ دلایل و مبارزه آرمانی انقلاب اسلام و انقلاب شیطان را هضم کنیم.
- ✓ با فرار از فرافکنی ها و تحقیق و دستیابی به حقیقت، داشته ها و اطلاعات محوری و حتی موردی گذشته را در ذهن خود نظم کنیم.

در نتیجه این مقدمات این خواهد بود که در چارت تعریفی شما بعضی از مهره ها بر خلاف تصور ظاهری در اصل فاصله قابل توجهی با محور اصلی انقلاب دارند هر چند که تصور عام بر این است که فلان فرد، شخصیتی انقلابی و محوری است.

نظرات در مورد افراد در گذر زمان متفاوت است. چرا که گذر زمان است که هر فردی را در محک های مختلف رو میکند و همچنین قصاص قبل از مجازات موجب تهمت و بی عدالتی و همچنین فرافکنی دشمن می شود. چنانکه در سیره اهل بیت (سلام الله علیهم) هم دیده می شود، با وجود اینکه امامان معصوم دارای علم الهی و آگاه به سیره افراد بوده اند، اما قبل از جرم و انحراف هیچ قضاوت و دادخواهی از افراد نداشته اند. افرادی مثل طلحه و زبیر و یا شمر بن ذی الجوشن، عمر بن سعد و ... که در گذشته افرادی مومن و مجاهد اسلام شناخته می شدند در کربلا مرتکب بزرگترین انحراف و اشتباه تاریخ بشریت شدند. این درحالی بود که امامان قبل از حضرت اباعبدالله الحسین (سلام الله علیه) نیز به علم الهی آگاه از عاقبت کار آنان بودند ولی هرگز قبل از ارتکاب جرم آنها را مجازات نکرده و بلکه با اجازه ورود در سیستم حکومتی و مجاهدت ها باب بازگشت را برایشان باز گذاشتند.

پس با وجود اینکه اعلام نظر ها در مورد افراد مهم هستند ولی باید در مورد آنها به گذاره های زمانی و تغییر رفتار ها و تغییر نظرات توجه داشت. مثال های مختلفی از اوایل انقلاب تا کنون موجود هستند که بعد از مدت های بسیار فعالیت برای انقلاب و اسلام با انحراف بزرگی روبرو شده و از مسیر انقلاب خارج شدند.

معمولا افرادی که منحرف می شوند در وجود خود در همه فواصل زندگی یک ضعف و محل نفوذی را با خود به همراه داشته اند. که بعد ها موجب انحراف بزرگتر وی می شود.

برخی هم که خیلی ظاهراصلاح هستند ولی با بررسی عملکردی شاهد آن هستیم که فرد مورد نظر از ابتدای کار با زیرکی بسیار توانسته مسیر نفوذ صعودی را به نحو احسن طی کند. برای این نوع افراد مثال های مختلفی از صدر اسلام گرفته تا عصر حاضر به وفور موجود است.^۶

^۶ سوره بقره/آیه ۱۴

○ انتخابات مجلس در آیین فتنه ۹۶

مجلس شورای اسلامی به عنوان قوه مقننه در کنار قوه مجریه و قوه قضائیه ارکان نظام را تشکیل می دهند. براساس قانون اساسی هرچند شرح وظایف متفاوتی دارند اما به احتساب تقسیمات قوا هر سه سهم برابری از قدرت را به خود اختصاص داده اند، و شاید بتوان گفت که مجلس از حیث دارا بودن جایگاه تنظیم و تثبیت قوانین و نظارت بر امورات دولت از قدرت و احاطه بیشتری برخوردار باشد.

همراهی و همکاری مجلس با دولت تنها راه پیشبرد اهداف جامعه است.

شرایط انتخابات مجلس شورای اسلامی تاثیر مستقیم به شرایط انتخابات ریاست جمهوری دارد و همچنین به همان قدرت شرایط انتخابات ریاست جمهوری به انتخابات مجلس شورای اسلامی اثر گذار است. بخصوص که انتخابات مجلس با فاصله یکسال از ریاست جمهوری برگزار می شود و نحوه عملکرد در آن تعیین کننده مهمی برای نتیجه ریاست جمهوری نظام جمهوری اسلامی ایران است.

بررسی نحوه گذر از انتخابات مجلسی که مقدمه ای بر فتنه آینده خواهد بود روشن کننده بخش مهمی از سناریوی آن و تعیین کننده مسیرها خواهد بود.

همانطور که قبلا هم اشاره شده بود، در انتخابات مجالس شورای اسلامی، خبرگان و شورای شهر به دلیل کثرت شرکت کننده و قومی و قبیله ای بودن انتخابات، انتخاب اصلح و صالح کمرنگتر بوده و نفوذ راحت تر است اما بدلیل عدم همبستگی و یکپارچه گی آرا و کثرت گزینه ها ایجاد تشنجات فیزیکی بسیار سخت و غیر قابل کنترل می باشد ولی در انتخابات ریاست جمهوری با قدیمی ترین بازی ساده انتخاباتی یعنی دوقطبی کردن فضا به راحتی میتوان کل کشور را به سمت مورد نظر کشید؛ پس انتخابات مجلس نمودی از فتنه هم نشود ولی پایه و اساس فتنه می شود. در این مرحله نفوذ به ارکان نظام صورت می گیرد و آماده سازی فضا و شرایط حکومتی برای نمود نتیجه فتنه فراهم می شود.

برجام نقطه عطفی بود که مدافعان غرب بتوانند خود را بعد از مدت ها دوباره به عرصه حضور برسانند. ترویج این مطلب که ارتباط با غرب تنها راهکار فرار از تحریم و مشکلات کشور است چیزی بود که در اواخر دولت دهم آغاز شد و در دولت یازدهم تثبیت و اجرا شد. این مطلب برگ برنده تبلیغاتی طیف غرب گرای جامعه سیاسی ایران شد.

با زمینه سازی و فضا سازی دولت همسو، فضای مناسبی برای حضور پر رنگ این طیف از فعالان در عرصه سیاسی و حکومتی باز شد. در مقابل با انشقاق و پراکندگی بدون هماهنگی در جبهه منتسب به مدعیان مدافع انقلاب و کاهش بی سابقه قدرت سیاسی این طیف نشان از نتیجه متفاوت انتخابات مجلس دهم با دوره های قبلی خود را دارد.

ختم همه مسائل و مشکلات به اقتصاد و شعار ارتباط با غرب و حل مشکلات اقتصادی و اجتماعی به واسطه رفع تحریم ها برنامه ای بود که دولت در تلاش است تا این شعار کماکان پابرجا بماند و نظام اقتصادی در نگاه مردم رو به بهبود دیده شود. این نگاه برگرفته از اندیشه سکولاری و لیبرالی است که برای نظام سرمایه داری تعریف می شود. برای همین است که در بسیاری از موارد شرافت و هویت ایرانی به اقتصاد ایرانی که هیچ تضمینی در آن نیست خیلی ارزان و بی ارزش فروخته می شود.

نهایت تلاش بر این است که مجلس دهم به دست غرب گرا ها بیافتند.

میزان درصدی کاندیداها در مرحله ثبت نام و انسجام و وحدت غرب گرا ها نشان از قدرت ورود به این عرصه را دارد که با ضعف فاحش جبهه منتسب به مدعیان مدافع انقلاب این پیروی را برای آنان نزدیک تر میکند.

شاید چنین برداشت شود که دولت یازدهم با طیفی که درخواستار بدست گرفتن قوه مقننه را داشت یکی باشند ولی حقیقت چنین نیست، چرا که در جوامع و رسانه های مختلف طیف غرب گرا به صراحت مطرح کردند که دولت یازدهم صرف شباهت داشتن و در برخی موارد همسو بودن مورد حمایتشان قرار می گیرد و این دولت هیچ نسبیتی با آنان ندارد، برا همین در برخی موارد به چشم می خورد که رسانه های طیف غرب گرا به صراحت از دولت انتقاد و حتی هجمه رسانه ای به آن می برند تا این فاصله را بتوانند تعریف کنند.

این رفتار ها زمانی جواب داده خواهد شد که به مقصد رسیده باشند و بقول معروف خروشان از پل گذشته باشد.

بعد از شروع به کار مجلس در خرداد ماه ۹۵، بعد از گذشت کمتر از شش ماه در نتیجه ادعای عدم احراز حسن اعتماد غرب به جمهوری اسلامی ایران برجام ملغی اعلام شده و شرایط به قبل از برجام باز می‌گردد. این شرایط در نهایت بعد از انتخابات ریاست جمهوری آمریکا طبق گفته‌ها و برنامه‌های ارائه شده از غربی‌ها عملیاتی می‌شود.

مجلس غرب‌گرا دولت و افراطیون (به اصطلاح جامعه درونی شان) را محکوم میکند و انتظار پاسخگویی از جانب دولت را دارد.

اتفاق قابل توجه و مهم اینکه با توجه به کثرت نماینده‌های طیف غرب‌گرا، آنها موغفقت شدند با سیاست تمام ریاست مجلس را به ظاهری از ظواهر مدعی مدافع انقلاب خوش رنگ کنند، که هم در صورت بروز هر گونه فشار و بحرانی مسئولیتی از حیث اسم و رسم مدیریتی نداشته باشند، و هم اینکه بتوانند در اوج مهارت سیاسی خود بازی خود را از طرف مقابل پنهان نگه دارند.

نکته مهم تر اینکه تاریخ برای نسل‌های آینده در خود ثبت خواهد کرد که مدیریت مجلس در شرایط بحرانی که بوجود آمد و مشلات و بدبختی‌هایی را برای کشور به ثمرآورد طیفی بوده که مدعی مدافعی انقلاب اسلامی را داشته است.

با بروز مشکلات اقتصادی و امنیتی در کشور که در بخشهای قبل آورده شد مجلس سعی میکند با عنوان دفاع از حریم و حقوق ملی شروع به فرافکنی میکند؛ با شرایط به وجود آمده با وجود فشارهای روانی، مشکلات سیاسی و امنیتی، اختلالات اجتماعی و بسیاری از مسائل دیگر که قبلاً به اجمال آورده شد در تکمیل مباحث داغ انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم نقش آفرینی می‌کنند.

○ جناح ها در حال و هوای فتنه ۹۶

بعد از اقدامات مجلس و حتی بدلیل نبود زمان و فوریت اجرایی مناسبات فتنه قبل از ورود به سال ۹۶ همزمان با همان اقدامات فضا سازی ها و تهاجمات روانی متناسب با شرایط صورت میگیرد.

مجلس با این اقدامات خود چند مورد را پیش میبرد:

بوسیله تقابل مجلس با دولت و افراطیون (به اصطلاح جامعه درونی شان) در جامعه سیاسی دو قشر سیاسی محکوم و تضعیف می شوند. نظام سرمایه داری که منتسب به دولت های پنجم و ششم تعریف می شود و همچنین افراطیون (به اصطلاح جامعه درونی شان) که منتسب به دولت نهم و دهم تعریف می شود. در این میان در جامعه کلان سیاسی تنها جریان محکوم نشده و سالم در کشور جریان اندیشه ای غرب گراست که منتسب به دولت های هفتم و هشتم تعریف می شود که در جریانات دولت یازدهم و مجلس دهم توانسته خود را دوباره به عرصه سیاست برساند. با در نظر گرفتن همسویی هایی که با دولت دارند و البته استفاده هایی از آنها در مراحل مختلف کرده اند بدنه اجتماعی دولت جذب آنها می شود و خود به خود طیف دولت کمرنگ و شاید هم حذف شوند؛ اما با تقابل اندیشه

ای با جبهه منتسب به مدعیان مدافع انقلاب شکل دو قطبی را برای فضای سیاسی ایجاد می کنند.

در فضای ایجاد شده، شواهد و شرایط موجود و هماهنگی های ایجاد شده و همچنین سیر عملکردی دولت ها که قبلا اشاره شد، فرد مورد نظر از منتسبین به جبهه منتسب به مدعیان مدافع انقلاب فردی خواهد بود که قابلیت پاسکاری سیاسی را داشته باشد. این عمل باعث می شود که عملیات دو قطبی سازی به بهترین نحو ممکن عملیاتی شود و همچنین با شرایط داخلی جبهه منتسب به مدعیان مدافع انقلاب انشقاق شدیدی به وجود خواهد آمد.

همانطور که گفته شد با توجه به شرایط هدف براندازی انقلاب اسلامی و حفظ جمهوری اسلامی است. در این روند، جبهه غرب گرا که قصد اجرای عملیات فتنه را دارد، گزینه ای را می بایست رو کند که چندین قابلیت سیاسی، اندیشه ای، مقبولیت اجتماعی و سیاسی، اسلامی و انقلابی و ... را در کنار هم داشته باشد.

در مقابل باید عملکردی صورت گیرد که با پیش زمینه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی مویدی بر بی کفایتی نظام جمهوری اسلامی باشد تا ریسک حضور مردم و عدم پذیرششان را پایین بیاورد تا با اطمینان بتوانند مسیر فتنه را طی کنند.

گزینه مناسب استفاده از افرادی است که با وجود اینکه قابلیت های ذکر شده را داشته باشد، مبتلا به شرایطی باشد که احتمال رد صلاحیت و عدم پذیرش از جانب حکومت را نیز داشته باشد. با بررسی های استراتژیک و عملکردی انجام شده و شرایط موجود افراد و جریانها سعی بر این خواهد بود که هر دو قطب فتنه شامل این مشخصه باشند.

که احتمال می رود آقای م.خ و آقای م.ا گزینه های مورد نظر برای عملیاتی کردن مرحله نهایی براندازی انقلاب اسلامی باشند.

در صورت کلی همه افشار جامعه در عمل انجام شده ای قرار میگیرند که کوچکترین اشتباه بزرگترین ضربه جبران ناپذیر تاریخ انقلاب را نتیجه خواهد داد.

فصل سوم:

حقیقت ناگفته

فتنه ۹۶

- رهبری
- رهبری در موقعیت حذف
- دو قطبی رهبری در جامعه اسلامی - ایرانی و قطب آن
- دو قطبی رهبری در فتنه ۹۶

○ رهبری

نظریه ای که در دهه ۱۹۹۰ تا کنون مطرح بوده قدرت و اهمیت جایگاه و شخصیت رهبری در جمهوری اسلامی است. این مطلب از همان اول نشان دهنده این بود که دشمن رهبری را هدف حملات خود قرار داده است، و احتمال داده می شد که روزی به صورت مستقیم اقدام حمله به رهبری بکند. اما چگونگی این مطلب برای همه در هاله ای از ابهام بود! اما در نهایت دشمن ترفند دو قطبی را برای حمله به رهبری انتخاب و عملیاتی کرده است.

بعد از گذشت حداقل ۴ دهه مدیریت ولایت فقیه در ایران و جهان بر اساس تجربه هم که باشد دشمن به این رسیده است که در هر کجای نظام جمهوری اسلامی نفوذ و رخنه کند سرانجام با دخالت و تدابیر رهبری تمامی نقشه هایشان برآب خواهد شد و تا زمانی که رهبری و ولایت فقیه پابرجاست جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی نیز پا برجاست.

○ رهبری در موقعیت حذف

از میان برداشتن رهبری از دو مدل بزرگ و کلی تبعیت می کند که هر کدام با نقش و نگارهای مختلفی می تواند رنگ و لعاب خاص شرایط زمانی و جغرافیایی خود را دارا باشد.

عادی ترین حالت حمله مستقیم به رهبری و سعی در تضعیف جایگاه رهبر و ولی در جامعه اسلامی- ایرانی است که بعد از ۳۸ سال تجربه نشان داده است که مردم با وجود نارضایتی ها و ناهنجاری ها در امورات مدیریتی دولت ها و در نگاه کلی نظام در شرایط سخت و خاص به هر نحو و مدلی مطیع ولایت و رهبری هستند. بنابر این این راهکار میتواند مقدمه و یا یک دستورکار مکمل و جنبی باشد ولی راهکار اصلی نخواهد بود.

حالت بعد طراحی و تعریف رهبر جدید ویا به زبانی دیگر تعریف قابلیت های رهبری در شخصیت ثانی در زمان حیات رهبر و ترویج انشقاق در میان مردم در حوزه اطاعت از رهبری است. در این حالت می بایست در بازه زمانی مشخص شده به صورت کاملاً نامحسوس با سعی در ترویج تعاریف برنامه ریزی شده در موقعیت مناسب اقدام به عملیاتی کردن برنامه های نهایی شود.

○ دو قطبی رهبری در جامعه اسلامی - ایرانی و قطب آن

رهبری در جمهوری اسلامی با وجود اینکه توسط خبرگان رهبری انتخاب و مورد نظارت قرار میگیرد اما بدلیل اینکه دوره ای نمی باشد امکان تداخل در انتخاب و اختلال در آن امکان پذیر نیست، ولی از آنجایی که ماهیت مردمی و ملی دارد امکان انشقاق در میان مردم وجود دارد.

برای این امر می بایست شخصیتی در سطح سیاسی و انقلابی رهبر طراحی و تعریف شود.

جایگاه افراد در شکل گیری انقلاب و شخصیت فردی، اجتماعی و انقلابی آن در مراحل مختلف نظام و میزان ارتباط وی با بنیانگذار انقلاب حضرت امام خمینی(ره) ازجمله مواردی است که برای تعیین قطب مقابل رهبری ملاک قرار می گیرد.

مکمل موارد فوق دارای مقبولیت و محبوبیت سیاسی و اجتماعی باشد. چهره ای که برای این مبحث جزء گزینه های روی میز دشمن خواهد بود فردی باید باشد که دارای حیات سیاسی در نظام چه از جنبه دولتی و چه از جنبه مردمی باشد.

فرد مورد نظر مسلماً فردی خواهد بود که نه معاند نظام باشد و نه مخالف نظام و رهبری!! چرا که فرد معاند و مخالف با کلیت نظام گویای اجرای انحلال نظام و رفع امنیت و بروز مشکلات بسیاری برای مردم است و با توجه به وسعت برنامه های رسانه ای امکان حذف شرایط امنیتی کشور از اذهان مردم غیرممکن خواهد بود. بنابر این فرد مورد نظر با مخالفت گسترده کثیری از مردم ایران و حتی جهان مواجه خواهد شد. همانطوری که در طول چهار دهه گذشته موارد مختلفی از سران دولتی، حکومتی، حوزوی و حتی نظامی اقدام به تقابل و حتی برنامه ریزی برای تداخل در امور نظام و یا انحلال آن اقدام کرده اند که با برملا شدن ماهیت خیانت با تقابل شدید مردم با آنها و پایداری بیش از پیش مردم از آرمانهای انقلاب و نظام مواجه شده اند.

بنابر این فرد مورد نظر برای این تقابل فردی از سران نظام خواهد بود با قدر سیاسی و اجتماعی متناسب اما دارای اختلاف نظرهایی در برخی امور با رهبری که بتواند فاصله ای در بین طرفین قطب ایجاد کرد.

در شرایط کلی مطرح شده مسلماً فرد مورد نظر از نظر سنی نیز از شرایط سنی بالایی برخوردار خواهد بود که این مطلب مقدمه ای برای نفوذ راحت افراد مختلف در بازه زمانی کوتاه یا بلند شده و سوء استفاده از شرایط کهولت سن و شرایط دیگر برای اغوا و بازی سازی در عرصه مشخص شده آسان می کند.

نزدیک ترین افراد به جایگاه رهبری و دارای چنین قابلیت هایی شخصی جز آقای هاشمی رفسنجانی نخواهد بود. کسی که در تمام مراحل انقلاب و نظام به بعنوان یکی از سران نظام در مدیریت کشور نقش داشته است و از جانب رهبری تلاش های بسیاری در جهت حفظ ایشان در بدنه اصلی نظام مشاهده شده است.

حملاتی که بر علیه آقای هاشمی در مقابل رهبری مطرح میگردد، پیشینه تاریخی حدود ۱۵ ساله دارد که در حدود اوایل دهه ۸۰ مرحله عملیاتی این پروژه به عرصه اجرا رسیده است.

آقای هاشمی با وجود اختلاف نظرهایی که هم با حضرت امام خمینی(ره) و هم با امام خامنه ای (مدظله) داشته اند، بر خلاف موارد مشابه از جانب رهبران انقلاب مورد ارج و قرب قرار گرفته و تلاش برای حفظ ایشان در صدر انقلاب به کرات در تاریخ ثبت شده است، این مطلب نشان از نزدیکی این شخصیت به رهبران انقلاب و نشان دهنده این است که با وجود اختلاف نظر و رای متفاوت در قالب انقلاب قرار داشته اند. اما این اختلاف نظر ها دلیل خوبی برای ایجاد فاصله و دارا بودن شخصیتی سیاسی متناسب دلیلی برای انتخاب وی برای گزینه مقابل رهبری می باشد.

آقای هاشمی بعنوان اولین رئیس جمهور، جمهوری اسلامی ایران بعد از دفاع مقدس و رئیس دولتی که مکلف به احیای زیربنایی و عمرانی کشور که از اول انقلاب مورد تخریب و هجمه قرار گرفته بود، اقدام به جذب سرمایه گذاری و گسترش صنعت و فن کرد که بدلیل نبود الگو و متاسفانه عدم پیگیری بومی سازی علوم و متخصصین از همان اول انقلاب به اصول و نمونه های غربی روی آوردند. لذا همین مطلب موجب شد سرمایه داران دوره پهلوی که چندسالی بدلیل مباحث ابتدایی انقلاب و جنگ تضعیف شده بودند دوباره با پیش گیری چنین رویکردی امکان احیا و کسب قدرت داشته باشند. در کنار این اندیشه ای که چنین سرمایه و سرمایه گذار را تعمین و راضی میکرد اندیشه غرب و اندیشه دوران قبل از انقلاب بود که در مجموع این دو بعد مهم هم شخص آقای هاشمی و هم سیستم مدیریتی کشور با نفوذ اندیشه های بیگانه مواجه شد که با رشد

این دو ماهیت سرمایه و اندیشه در صدد کسب بعد سوم یعنی قدرت سیاسی در ادوار مختلف اقدام به برنامه هایی علیه نظام و انقلاب اسلامی در کشور کردند.

بعد از اینکه دولت هفتم کار خود را با تقابل با هاشمی شروع کرد در شرایطی که رئیس دولت منتخب وزیر فرهنگ و ارشاد آقای هاشمی و مرکز رشد و پرورش اندیشه ای کشور بود در حالی رقم خورد که آقای هاشمی در جامعه انقلابی ایران بعنوان یکی از سران انقلاب مطرح بود. در اوایل دولت هشتم جریانی به صورت خیلی آرام و خفیف به وجود می آید که آقای هاشمی را به عنوان یک فرد اشراف گر و با فاصله از آرمان های انقلاب معرفی می کند. مباحث ابتدا در جوامع خاص و مبلغین جریان اصولگرایی در تشکل های مختلف مطرح می شود. اما حقیقت مطلب این است که این جریان با وجود اینکه از اوایل دهه ۸۰ جدی می شود ولی رفتارهایی که در تقابل با آقای هاشمی در سطح رسانه ها صورت می گیرد از اوایل دهه ۷۰ توسط روزنامه سلام به مدیر مسئول محمد موسوی خوئینی ها و سردبیری عباس عبدی بود و بعد ها روزنامه جامعه به مدیر مسئولی حمید رضا جلایی پور و با سردبیری ماشاءاله شمس الواعظین که هردو منتسب به جریان غرب گرا می باشند آغاز می شود.

این جریان در انتخابات ۸۴ زمانی که آقای احمدی نژاد بدون هماهنگی شورای اصولگرایی در انتخابات شرکت و موجب اختلال در برنامه های انتخاباتی شده و در دور دوم به تقابل با آقای هاشمی می رسد نمود پیدا می کند. این درحالی رخ میدهد که شبکه ای گستره و منسجم از جانب آقای احمدی نژاد مامور به نفوذ به ستاد دیگر کاندیداهای اصولگرا و اختلال در امور تبلیغی آنها می شوند و آقای احمدی نژاد در شرایطی با آقای هاشمی تقابل و مبارزه می کند که با کسب اجازه از ایشان وارد رقابت های انتخاباتی شده است.

بعد از آن در دولت نهم تقابل برخی از چهره های منتصب به اصولگرایی با آقای هاشمی علنی و رسانه ای می شود این در حالی است که طیف خاصی از جریان موسوم به اصلاحات به آقای هاشمی نزدیک شده و از ایشان حمایت می کنند.

این جاذبه از طیف اصلاحاتی ها و دافعه از طیف احمدی نژادی ها (بدلیل علنی نشدن انحرافات و وابستگی ظاهری به رهبری) موجب تداعی انشقاق بین هاشمی و رهبری در مردم می شود.

در انتخابات ۸۸ این انشقاق موجب ایجاد ناآرامی هایی در سطح کشور و با عملکرد نامناسب و البته برنامه ریزی شده سران دولت وقت انشقاق تداعی شده هاشمی از بدنه نظام به صورت فاحشی رسانه ای و تثبیت می شود.

رهبر انقلاب در اولین نمازجمعه بعد از انتخابات در این خصوص به صراحت مطرح کردند که با وجود اختلاف نظرهایی که با آقای هاشمی داشتند تقابل علنی در رسانه های عمومی و رسمی کشور را محکوم و از نقش آفرینی ایشان در ادوار مختلف انقلاب قردادانی کردند.

محاصره سیاسی و فکری آقای هاشمی و انزوای نسبی رسانه ای چند ساله از ابتدای دولت نهم تا انتهای دولت دهم موجب شد تا جریان موسوم به اصلاحات بتواند با تصمیم سازی و اغوای ایشان در انتخابات ۹۲ با جریانات پیش آمده دولتی به اسم آقای هاشمی ولی با بدنه کاملاً اصلاحاتی را طراحی و اجرایی کند.

فعالیت رسانه ای چشم گیر آقای هاشمی در دولت یازدهم و حمایت از عملکرد دولت بخصوص در حوزه مذاکرات و برجام که مورد انتقاد و ایراد رهبری قرار میگرفت موجب تشدید انشقاق می شد.

ماحصل این عملکرد ها تا کنون به اینجا رسیده که جمله و یا جملاتی از رهبری را تقابل و جواب به سخنان آقای هاشمی قلمداد می کنند که در اصل کذب و بی پایه بوده است که بعد توسط مراجع مرتبط و شخص آقای هاشمی مورد براءت قرار گرفت.

اما شواهد حاکی از آن است که چنین جوسازی های رسانه ای موجب شده است تا جامعه انقلابی ایرانی شاهد ایراد تصمیمات اشتباه در خصوص مسائل مختلف سیاسی و ملی و حتی انقلابی از جانب ایشان باشد.

نقش آقای هاشمی در جامعه شکل گیری انقلاب اسلامی از بدو جریانات تا کنون غیر قابل انکار بوده و الزام به تقدیر دارد اما فاصله هرچند ظاهری و عدم ایراد نظر های شفاف در مواضع مختلف و همچنین همراهی جناحی با شخصیت ها و گروه های غیر مطمئن و بعضا معاند نظام و انقلاب اسلامی موجب بروز شبهات و انحرافات شده است.

اما در حقیقت چیزی که ملاک حال و عیار هر شخصیتی را در جامعه اسلامی مشخص میکند میزان فاصله و تناسبش با محور واحد ولایت و رهبری است.

شباهت چنین افرادی که در ابتدا از سران انقلاب و در نهایت به تقابل میکشند می توان گفت افرادی زبیری هستند.

زُبَیر بن عَوَّام بن خُوَیْلَد از مهمترین صحابه حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) همواره در کنار پیامبر بود و از سوی پیامبر(ص) ملقب به حواری وی گردید و جزو ۱۰ تنی بود که پیامبر اکرم(ص) به آنها بهشت را وعده داد. پس از رحلت نبی مکرم اسلام(ص)، حکم شورای سقیفه را نپذیرفت و از خلافت حضرت علی(ع) با عمر بن خطاب بحث های بسیاری کرد. او همچنین جزء اعضای ۶ نفره منتخب خلیفه دوم بود که در آن شورا نیز به نفع حضرت علی(ع) رأی داد. وی در شورش و قتل عثمان نقش مؤثری داشت و برای

خلافت حضرت علی(ع) کوشید. اما در همان اوایل خلافت حضرت علی(ع) به همراهی طلحه و عایشه و برخی دیگر که به ناکثین شهرت یافتند، جنگ جمل را علیه حضرت علی(ع) سامان داد و در همین جنگ به قتل رسید.

پس از رویارویی دو لشکر، حضرت علی(ع) زبیر را فرا خواند، ملاقات آن دو بین صفوف دو لشکر صورت گرفت. امام سفارش پیامبر نسبت به خود را به زبیر یادآوری کرد. سفارش این بود که: "پیامبر(ص) روزی در حضور حضرت علی(ع) به زبیر فرمود: آیا علی را دوست داری، زبیر گفت: چرا دوست نداشته باشم، پیامبر(ع) فرمود: چگونه‌ای وقتی ظالمانه با او بجنگی؟" زبیر پس از یادآوری این مطلب از اردوگاه کناره‌گیری کرد.

پس از کناره‌گیری زبیر، عمرو بن جرموز، با چند تن از یارانش، به تعقیب او پرداخت و در جایی به نام وادی السَّبَاع او را غافلگیرانه کشت. وی سپس نزد حضرت علی(ع) رفت و به دربان گفت، برای قاتل زبیر اجازه ورود بگیر. حضرت فرمود: اجازه بده وارد شود و مژده آتش جهنم به او بده، پیامبر(ص) نیز درباره قاتل زبیر فرموده بود: جایگاه قاتل زبیر آتش است.

امام از کشته شدن زبیر اظهار ناخشنودی کرد و چون شمشیر وی را دید، با یادآوری دلیری‌های زبیر در جنگ‌های صدر اسلام فرمود: این شمشیر بارها اندوه را از چهره رسول خدا زدود.

شاید از حدیث پیامبر(ص) و سخن حضرت علی(ع) نسبت به قاتل زبیر چنین تصور شود که زبیر توبه کرده است. یوسفی غروی توبه زبیر را نمی‌پذیرد و می‌گوید: توبه زبیر در صورتی درست بود که از امام زمان خویش پیروی می‌کرد و به علاوه خود را در خدمت او قرار می‌داد که البته پس از گفتگو با حضرت علی(ع) چنین نکرد و نمی‌توان گفت سخن حضرت امیرالمومنین(ع) و قبل از آن سخن رسول خدا(ص) مبنی بر بشارت دادن آتش به قاتل او نشانه قبولی توبه زبیر است، چرا که شاید بدین علت چنین بشارت

داده شده که قاتل، بدون امر شرعی و اذن امام او را کشته است، خصوصاً که قاتل بعدها جزء خوارج نهروان شد.^۷

تاریخ در حال تکرار است و دشمن سعی دارد با ایجاد اختلاف بین سران انقلاب و رهبری علاوه بر نابودی وحدت ملی جایگاه و شخصیت رهبری و ولایت فقیه را در اذهان عمومی ملی و بین المللی متزلزل و نابود کند. این شرایط فتنه چاره ای جز روشن شدن و بصیرت بزرگان هر جامعه ای ندارد.

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

آیا ندانسته اند که فقط خداست که از بندگان توبه را می پذیرد و صدقات را دریافت

می کند؟ و یقیناً خداست که بسیار توبه پذیر و مهربان است^۸

^۷http://fa.wikishia.net/view/%D8%B2%D8%A8%DB%8C%D8%B1_%D8%A8%D9%86_%D8%B9%D9%88%D8%A7%D9%85

^۸سوره مبارکه توبه - آیه شریفه ۱۰۴

○ دو قطبی رهبری در فتنه ۹۶

پدیده دو قطبی رهبری در حالی به عرصه ظهور و بروز می رسد که چنانچه آورده شد کشور از نظر سیاسی، امنیتی و اقتصادی در حال ورود به شرایط خاصی می باشد.

اما سوال اینجا به وجود می آید این نظم و نظام حاکم در شرایط فتنه در بر گیرنده این پدیده هم می باشد یا اینکه نه فقط در حد یک مسئله مستقل و ثانی مطرح می شود؟

دشمن شناختی که از رهبر و جایگاه رهبری دارد، به این مطلب کاملاً واقف است که بر اساس معارف اسلام و بخصوص تشیع، ولی امت توانایی آن را دارد که امت مسلمان را با قدرت غیر مادی که خداوند عنایت می کند تحت هر شرایط سخت در هر حوزه ای مدیریت و کنترل کند. پس باید در وسط معرکه و نزاع خود رهبری را نیز دخیل و سودبرنده تعریف کنند.

اگر در شرایط سیاسی و اقتصادی پیش رو در انتخابات ۹۶ رهبری بتواند فضا را مدیریت و کنترل کند هرچند شرایط سخت و همه جانبه با درایت و مدیریت فضای حاکم بر انقلاب را آرام و به به نفع انقلاب معکوس خواهد کرد. اما اگر خود طرفی از این درگیری باشد قدرت مقابله کاهش پیدا میکند.

این مسئله در شرایطی که هیچ یک از دو طرف عامل در انتخابات ریاست جمهوری مدافع رهبری نیستند امکان تضعیف بیش از حد رهبری در حوزه سیاست داخلی را بیشتر ملموس میکند.

در نهایت مدافعان آقای هاشمی که به جبر بدون آگاهی لازم در این بازی قرار گرفته همان مدافعان طیف اصلاحات در انتخابات ریاست جمهوری هستند پس طیف اصلاحات از انسجام و قدرت بالایی برخوردار خواهد بود در حالی که در مقابل طیف موسوم به اصولگرایی و مدافعان انقلاب با فضای روانی ایجاد شده به دو قسمت مدافعان کاندید ریاست جمهوری که مدافع رهبری نیست و مدافعان رهبری؛ این مسئله به این دلیل رخ میدهد که کاندیدای منتسب به اصولگرایی به اسم انقلاب و رهبری توانسته بدنه اجتماعی خود را منسجم کند ولی بنابر مستندات، ابراز سلیق خود فرد و طیف منتسب و همچنین کارنامه عملکردی فرد نشان از تقابل و یا در بهترین شرایط عدم دفاع از رهبری را دارد و این بدنه اجتماعی فرد کاندیدا تاثیر مهمی دارد. تضعیف مدافعان رهبری و آرمان های انقلاب اسلامی ایران تضعیف و شاید هم در حد انزوا پیش بروند.

فصل چهارم:

در نهایت فتنه ۹۶

- آنچه گفته شد
- آنچه خواهد شد

○ آنچه گفته شد:

تاریخ علم فرداست نه علم دیروز و همه رویدادها دائم در حال تجدید هستند. تازمانی که خدا همان خدا و شیطان همان شیطان و عهد های بسته برای انحراف انسان پابرجاست و نفس درونی انسان تمایلات منفی خود را دارد ماجرا همان ماجرای است که در ادوار گذشته تاریخ بوده، هست و خواهد بود.

یکی از مبانی عرفان یهود یا همان عرفان کابالا برقراری حکومت اورشلیم به رهبری دجال است^۹ که این فعل در روایات مختلف از اهل بیت (سلام الله علیهم) نیز موجود می باشد.

دلیل مطرح شده برای این حمایت و اطاعت این است که چون مقدمه ظهور حضرت مسیح (سلام الله علیه) حکومت دجال می باشد یهود سعی دارد با نفوذ در حکومت دجال و در دست گرفتن امورات در صورت ظهور حضرت مسیح (سلام الله علیه) حکومت را به راحتی در اختیار ایشان قرار دهند. این رویداد همان رویداد ۱۴۰۰ سال پیش در صدر اسلام است که یهود در اطراف کعبه آماده مبعوث شدن یکی از خودشان برای خاتم النبیین سفارش تمامی پیامبران بودند و خود را مالک تمامی ادیان و حکومت ها و اشرف مخلوقات

^۹ رابطه- عرفان یهود-کابالا، قبالا-با-شیطان- <http://nozohor.porsemani.ir/content/> پرستی

خداوند می دانستند که با مشاهده این که پیامبر اسلام از اعراب بود به تقابل با حضرتش پرداختند.

دقیقا همان شرایط و همان شواهد هست و یهود دوباره همان گمانه زنی ها را در ادامه همان کینه توزی ها از پیامبر اسلام و بخصوص تشیع و اهل بیت عصمت و طهارت (سلام الله علیهم) دوباره به فکر توطئه و سیاست های شیطانی اجدادشان افتاده اند.

نهایت درخواست اندیشه غرب تشکیل حکومت و مدیریت جهانی در پایگاه اندیشه ای اجدادشان یعنی حکومت ماورایی در اورشلیم (فلسطین اشغالی) و تسخیر عالم در سایه نفسانیات خصمانه و شیطانی است.

حقیقت آنی نیست که ما میبینیم و فکر میکنیم، حقیقت آن است که هست و دشمن برای رسیدن به آن تلاش میکند.

حقیقت حفظ و صیانت از اسرائیل و نابودی اسلام و یگانه پایگاه حقیقی اش انقلاب اسلامی در مجموعه ای به نام نظام جمهوری اسلامی ایران است.

حقیقت تقابل اندیشه ها و تقابل بزرگ حق و باطل است. و باطل برای نابودی حق دست به هرکاری میزند.

در این برهه از تاریخ نیز توانسته با نفوذ در امورات جهانی و به دست گرفتن افزار دولت ها با رفتارها و معادلات شیطانی خود شرایط براندازی انقلاب اسلامی را فراهم آورد.

نفوذ اندیشه ای در جامعه انقلاب، نفوذ فیزیکی و شخصیت ها در جامعه مدیریتی انقلاب و ایجاد فضای مبهم و مشتبه همچون زمان بعد از پیامبر همه و همه مقدماتی برای

نابودی اسلام و تشکیل حکومت جهانی یهود و تسلط به همه جهان است. هدفی که با قدرت تمام، نسل به نسل و فرد به فرد از پدانشان به فرزندانسان انتقال داده شده است.

در چنین شرایطی که قدرت کبر و شهوت قدرت و حاکمیت غرب، صهیونیسم را مجبور به حضور نظامی در منطقه کرده است، و نتیجه ای جز شکست سیاسی و تبلیغاتی را نداشته^{۱۰}، درنظر دارد با تنها راه حل موجود یعنی حمله نظامی آخرین اقدام خود را برای نابودی تنها مانع راه خود یعنی اسلام را اجرایی نماید. این سناریو با هماهنگی افرادی در داخل و دولت هایی در حاشیه جمهوری اسلامی ایران عملیاتی می شود و با توجه به شرایط به وجود آمده نتیجه این فعالیت ها در متشنج ترین برهه تاریخی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی ایران یعنی انتخابات دوازدهمین دوره ریاست جمهوری جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

از مراحل آن میتوان به وانمود کردن تسلیم ایران در برابر غرب با مذاکرات ۱+۵ و نتیجه ی بیهوده البته هماهنگ با اهداف غرب به نام برجام، نفوذ در مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان رهبری، لغو برجام و ایجاد فشار اقتصادی کلان به جمهوری اسلامی ایران، بحران اقتصادی در کشور، تضعیف جبهه مقاومت، بستن راه های منتهی ایران به خاک اسرائیل و ایجاد شرایط امنیتی و نظامی در قالب شور انتخاباتی ۹۶ و... نام برد.

^{۱۰} کتاب استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱ - کمیسیون تدوین استراتژی امنیت ملی آمریکا - موسسه مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران (۱۳۸۳) - فصل دوم: ج: خاور نزدیک بزرگ

○ آنچه خواهد شد:

آنچه در این مجموعه آورده شد مطالب، موارد و برنامه هایی بود که غرب علیه جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی- مردمی ایران با محوریت اندیشه های آخرالزمانی و موعود جهانی برنامه ریزی و هماهنگ کرده است که بخش قابل توجه ای اجرا و چندی از مراحل آن نیز در روزگار آینده عملیاتی خواهد شد.

اما آنچه در این بخش خواهیم پرداخت واکنش ها و حقیقت رفتاری و ذات وجودی نظام جمهوری اسلامی ایران و بالاتر از آن انقلاب اسلامی- مردمی برخاسته از وجود مردم این سرزمین است که نشان دهنده این خواهد بود که تمامی این فتنه گری ها، برنامه ها و سیاست ها تا کجا و چگونه در جامعه واقعی انقلاب اسلامی- مردمی ایران و حتی جهان تجلی و نتیجه خواهد داد.

همانطور که آورده شد در نتیجه جریانات حول انتخابات ۹۶ نظام جمهوری اسلامی با خلل مواجه شده جنگ داخلی و اقدام به براندازی صورت خواهد گرفت. در این شرایط عوامل انتحاری و تروریستی نقش مهمی ایفا خواهند کرد و حمله نظامی یکی از کشورهای همسایه معاند که به احتمال قوی از جنوب کشور باشد سعی در دخالت و نابودی کلی کشور ایران خواهند بود. در این صورت ناتو جهت حمایت از هم پیمانان

خود در منطقه و محافظت از پایگاه های نظامی اش در اطراف ایران وارد عمل خواهد شد.

فشار موجود و نیاز برنتیجه این مطلب را به مطلق میکند که فاصله زمانی بین تشنجات و درگیری های داخلی با تهاجمات نظامی خارجی بسیار کم خواهد بود تا نظام جمهوری اسلامی توان مدیریت و مقابله را در اوج آشوب نداشته باشد.

اما حاصل این رویدادهای با دخالت ابرقدرتها، جنگ جهانی خواهد بود که چون ماهیت درگیری ها را از درگیری های داخلی به خارجی عوض می شود با وجود درگیری های سیاسی داخل با رویش چهره های جدید و اسطوره های دفاع ملی و امنیت شرایط داخلی آرام و درگیری ها به جبهه های مرزی با دشمن خارجی سوق پیدا خواهد کرد. در این صورت موجب ایجاد وحدت ملی و ایجاد جبهه مقاومت خواهد بود.

در این خصوص نکته مهمی که می بایست یادآور شد، حضور شهدای مدافع حرم و جبهه مقاومت در سال های اخیر است که فضای مقاومت ملی و جبهه مقاومت را خارج از هر شرایط و طیف سیاسی برای همه مردم کشور و منطقه تثبیت و روحیه ایثار و شهادت را در جامعه اسلامی شیعی رشد و نمو داده اند.

به راستی که خون شهدا عامل رشد درخت پر برکت انقلاب و تنومندی و استواری جامعه اسلامی بوده و مقدمه ای برای ظهور نجات بخش حقیقی عالم بشریت حضرت امام مهدی موعود(عج) بوده اند.